

روانشناسی تحولی ۱

رشد در گستره زندگی، از لقاح تا کودکی

(جلد اول)

ویراست هشتم

فهرست اجمالی

«جلد دوم»

بخش ۵: نوجوانی

- ۱۱ رشد جسمی و شناختی در نوجوانی
- ۱۲ رشد اجتماعی و شخصیتی در نوجوانی

بخش ۶: اوایل بزرگسالی

- ۱۳ رشد جسمی و شناختی در اوایل بزرگسالی
- ۱۴ رشد اجتماعی و شخصیتی در اوایل بزرگسالی

بخش ۷: اواسط بزرگسالی

- ۱۵ رشد جسمی و شناختی در اواسط بزرگسالی
- ۱۶ رشد اجتماعی و شخصیتی در اواسط بزرگسالی

بخش ۸: اواخر بزرگسالی

- ۱۷ رشد جسمی و شناختی در اواخر بزرگسالی
- ۱۸ رشد اجتماعی و شخصیتی در اواخر بزرگسالی
- ۱۹ مرگ و مردن

«جلد اول»

بخش ۱: سرآغاز

- ۱ مقدمه‌ای بر رشد در گستره زندگی
- ۲ شروع زندگی: رشد پیش از تولد
- ۳ تولد و نوزادی

بخش ۲: نونهالی و نوپایی: شکل‌گیری بنیادهای زندگی

- ۴ رشد جسمی در نونهالی و نوپایی
- ۵ رشد شناختی در نونهالی و نوپایی
- ۶ رشد اجتماعی و شخصیتی در نونهالی و نوپایی

بخش ۳: سال‌های پیش از دبستان

- ۷ رشد جسمی و شناختی در سال‌های پیش از دبستان
- ۸ رشد اجتماعی و شخصیتی در سال‌های پیش از دبستان

بخش ۴: سال‌های کودکی میانه

- ۹ رشد جسمی و شناختی در کودکی میانه
- ۱۰ رشد اجتماعی و شخصیتی در کودکی میانه

فهرست

۴۲.....	پژوهش‌های نظری و کاربردی: رویکردهای مکمل
۴۳.....	اندازه‌گیری تغییرات رشدی
	از پژوهش تا عمل
۴۴.....	استفاده از پژوهش رشدی برای بهبود سیاست عمومی
۴۷.....	اخلاق و پژوهش
	آیا شما مصرف‌کننده مطلع رشدی هستید؟
۴۸.....	تفکر انتقادی درباره توصیه «کارشناس»

xiii.....	سخن مترجم
xv.....	درباره نویسنده
xvii.....	پیشگفتار

بخش اول - سرآغاز

فصل ۱ | مقدمه‌ای بر رشد در گستره

۳.....	زندگی
۴.....	پیش‌نگری
۶.....	جهت‌گیری رشد در گستره زندگی
۶.....	تعریف رشد در گستره زندگی
۷.....	دامنه رشد در گستره زندگی
۱۰.....	تأثیرات بر رشد

تنوع رشدی و زندگی شما

۱۱.....	نحوه‌ای که فرهنگ، قومیت و نژاد بر رشد اثر می‌گذارند
	پرسش‌ها و مسائل اصلی: تعیین نقش طبیعت و تربیت در رشد در گستره زندگی
۱۱.....	دیدگاه‌های نظری درباره رشد در گستره زندگی
۱۶.....	دیدگاه روان‌پویایی: تمرکز بر درون فرد
۱۷.....	دیدگاه رفتاری: تمرکز بر رفتار آشکار
۲۰.....	دیدگاه شناختی: بررسی ریشه‌های شناخت
۲۳.....	دیدگاه انسان‌گرایی: تمرکز بر ویژگی‌های منحصربه‌فرد انسان
۲۶.....	دیدگاه بافتاری: انتخاب رویکردی گسترده به رشد
۲۷.....	دیدگاه تکاملی: نقش اجدادمان در رفتار
۳۰.....	چرا سؤال «کدام رویکرد درست می‌گوید؟» نادرست است
۳۱.....	روش‌های پژوهش
۳۳.....	نظریه‌ها و فرضیه‌ها: طرح سؤالات رشدی
۳۴.....	انتخاب راهبرد پژوهش: پاسخ به سؤالات
۳۵.....	پژوهش‌های همبستگی
۳۵.....	آزمایش‌ها: تعیین علت و معلول
۳۹.....	

فصل ۲ | شروع زندگی: رشد پیش از تولد

۵۳.....	پیش‌نگری
۵۴.....	رشد آغازین
۵۵.....	ژن‌ها و کروموزوم‌ها: کدهای زندگی
	چندقلویی: دو-یا بیشتر - ارزش ژنتیکی یک پسر یا دختر؟ تعیین جنسیت
۵۶.....	دختر یا پسر؟ تعیین جنسیت کودک
۵۸.....	مبانی ژنتیک: ترکیب و تطابق صفات
۵۸.....	ژنوم انسانی و ژنتیک رفتاری: استخراج کدهای ژنتیکی
۶۲.....	اختلال‌های وراثتی و ژنتیکی: وقتی رشد از هنجار منحرف می‌شود
۶۳.....	

۶۵.....	مشاوره ژنتیکی: پیش‌بینی آینده از روی ژن‌های موجود
	از پژوهش تا عمل

۷۰.....	غربالگری‌های پیش از تولد تشخیصی نیستند
۷۱.....	تعامل وراثت و محیط
۷۱.....	نقش محیط در تعیین بیان ژنی: از ژنوتیپ تا فنوتیپ
	مطالعه رشد: چقدر در نتیجه طبیعت است چقدر در نتیجه تربیت؟
۷۳.....	
۷۵.....	ژن‌ها و محیط: عمل با هم
۷۸.....	اختلال‌های روان‌شناختی: نقش ژنتیک و محیط

تنوع رشدی و زندگی شما

- ۸۰ غربالگری‌های پیش از تولد تشخیصی نیستند
- ۸۱ آیا ژن‌ها می‌توانند بر محیط اثر بگذارند؟
- ۸۲ رشد و تغییرات پیش از تولد
- ۸۲ لقاح: لحظه بسته شدن نطفه
- ۸۳ مراحل دوره پیش از تولد: شروع رشد
- ۸۶ مشکلات بارداری
- ۸۹ محیط پیش از تولد: تهدیدهای رشدی
- آیا شما مصرف‌کننده مطلع رشدی هستید؟
- ۹۵ بهبود محیط پیش از تولد

فصل ۳ | تولد و نوزادی ۱۰۱

- ۱۰۲ پیش‌نگری
- ۱۰۳ زایمان
- ۱۰۳ زایمان: شروع فرایند تولد
- آیا شما مصرف‌کننده مطلع رشدی هستید؟
- ۱۰۵ مواجهه با زایمان
- ۱۰۶ تولد: از جنینی تا نوزادی
- ۱۰۹ روش‌های زایمان: پزشکی و انتخاب روش

- مشکلات زایمان ۱۱۴
- نوزادان نارس: خیلی زود، خیلی کوچک ۱۱۵
- نوزادان دیررس: خیلی دیر، خیلی بزرگ ۱۱۸
- سزارین: مداخله در فرایند زایمان ۱۱۹
- مرده‌زایی و نرخ مرگ‌ومیر نوزادان: مصیبت مرگ زودرس ۱۲۱
- تنوع رشدی و زندگی شما
- غلبه بر تفاوت‌های نژادی و فرهنگی در مرگ‌ومیر نوزادی ۱۲۱
- افسردگی پس از زایمان: از اوج لذت به اعماق ناامیدی ۱۲۴
- شایستگی نوزاد ۱۲۵
- شایستگی جسمی: روبه‌رو شدن با تقاضاهای محیط جدید ۱۲۶
- شایستگی‌های حسی: تجربه محیط ۱۲۷

از پژوهش تا عمل

- ۱۲۸ آیا ترجیحات غذایی در رحم آموخته می‌شوند؟
- ۱۲۹ توانایی‌های یادگیری اولیه
- ۱۳۱ شایستگی اجتماعی: پاسخ‌دهی به دیگران

بخش دوم - نونهالی و نوپایی: شکل‌گیری بنیادهای زندگی

فصل ۴ | رشد جسمی در نونهالی و نوپایی ۱۳۹

- ۱۴۰ پیش‌نگری
- ۱۴۱ رشد و ثبات
- ۱۴۱ رشد جسمی: پیشرفت‌های سریع نونهالی و نوپایی
- ۱۴۲ سیستم عصبی و مغز: پایه‌های رشد
- یکپارچه‌سازی دستگاه‌های بدنی: چرخه‌های زندگی نونهالی و نوپایی
- ۱۴۷ نشانگان مرگ ناگهانی: قاتل پیش‌بینی‌ناپذیر
- ۱۵۰ رشد حرکتی
- ۱۵۲ بازتاب‌ها: مهارت‌های جسمی ذاتی ما
- رشد حرکتی در نونهالی و نوپایی: ویژگی‌های برجسته پیشرفت جسمی
- ۱۵۵ تغذیه در نونهالی و نوپایی: سوخت‌گیری رشد حرکتی
- ۱۵۸ تنوع رشدی و زندگی شما

- ۱۵۹ ابعاد فرهنگی رشد حرکتی
- ۱۶۱ پستان یا شیشه شیر

از پژوهش تا عمل

- ۱۶۳ علم شیر مادر
- ۱۶۴ رشد حواس
- ۱۶۴ ادراک دیداری: دیدن دنیا
- ۱۶۶ ادراک شنیداری: دنیای صدا
- ۱۶۸ بویایی و چشایی
- ۱۶۹ حساسیت به درد و لامسه
- ۱۷۰ ادراک چندوجهی: یکپارچه‌سازی دروندادهای حسی مجزا
- آیا شما مصرف‌کننده مطلع رشدی هستید؟
- ۱۷۲ تمرین دادن بدن و حواس فرزندان

فصل ۵ | رشد شناختی در نونهالی و نوپایی

- ۱۷۵ نوپایی
- ۱۷۶ پیش‌نگری
- ۱۷۷ رویکرد پیازه به رشد شناختی

تنوع رشدی و زندگی شما

آیا دلبستگی در بین فرهنگ‌ها متفاوت است؟ ۲۲۸

تعاملات نونهالان و نوپایان: رشد روابط کاری ۲۲۹

تفاوت‌های فردی نونهالان و نوپایان ۲۳۲

رشد شخصیتی: خصوصیات که نونهالان را منحصر به فرد می‌سازد.. ۲۳۲

خلق و خو: پایداری‌هایی در رفتار نونهال ۲۳۳

جنسیت: پسرهای آبی و دخترهای صورتی ۲۳۷

زندگی خانوادگی در قرن بیست و یک ۲۳۹

چگونه مراقبت روزانه از نونهالان بر رشد بعدی آن‌ها اثر می‌گذارد؟ ۲۴۰

آیا شما مصرف‌کننده مطلع رشدی هستید؟

انتخاب مراقبت روزانه مناسب ۲۴۲

بخش سوم - سال‌های پیش از دبستان

فصل ۲ | رشد جسمی و شناختی

در سال‌های پیش دبستانی ۲۴۹

پیش‌نگری ۲۵۰

رشد جسمی ۲۵۱

رشد بدن ۲۵۱

رشد مغز ۲۵۶

آیا شما مصرف‌کننده مطلع رشدی هستید؟ ۲۵۷

حفظ سلامت کودکان پیش دبستانی ۲۵۷

رشد حرکتی ۲۶۰

رشد هوشی ۲۶۴

مرحله تفکر پیش‌عملیاتی پیازه ۲۶۴

رویکردهای پردازش اطلاعات به رشد شناختی ۲۷۱

دیدگاه ویگوتسکی به رشد شناختی: در نظر گرفتن فرهنگ ۲۷۴

رشد زبان و یادگیری ۲۷۸

رشد زبان ۲۷۸

یادگیری از رسانه‌ها: تلویزیون و اینترنت ۲۸۱

آموزش در کودکی اولیه: حذف «پیش» از پیش دبستانی ۲۸۴

تنوع رشدی و زندگی شما

پیش دبستانی‌های چهارگوشه دنیا: چرا آمریکا عقب است؟ .. ۲۸۸

عناصر اصلی نظریه پیازه ۱۷۷

دوره حسی حرکتی: مرحله اولیه رشد شناختی ۱۷۹

نقد پیازه: حمایت و چالش‌ها ۱۸۴

رویکردهای پردازش اطلاعات به رشد شناختی ۱۸۶

رمزگردانی، ذخیره‌سازی و بازیابی: پایه‌های پردازش اطلاعات ۱۸۶

حافظه در طی نونهالی و نوپایی: باید به خاطر بیاورند ۱۸۸

از پژوهش تا عمل

رشد مغز ممکن است مسئول یادزدودگی بچگی باشد ۱۹۱

تفاوت‌های فردی در هوش: آیا یک نونهال از دیگری باهوش‌تر است؟ ۱۹۲

آیا شما مصرف‌کننده مطلع رشدی هستید؟

ویژگی شیوه‌های ارتقاء رشد شناختی نونهالان ۱۹۶

ریشه‌های زبان ۱۹۷

پایه‌های زبان: از صداها تا نمادها ۱۹۷

ریشه‌های رشد زبان ۲۰۳

صحبت با کودکان: گفتار کودک محور و گفتار جنسیت محور .. ۲۰۵

تنوع رشدی و زندگی شما

آیا گفتار کودک محور در همه فرهنگ‌ها مشابه است؟ ۲۰۷

فصل ۶ | رشد اجتماعی و شخصیتی

در نونهالی و نوپایی ۲۱۱

پیش‌نگری ۲۱۲

رشد ریشه‌های جامعه‌پذیری ۲۱۳

هیجانات در نونهالی و نوپایی: آیا نونهالان و نوپایان هیجانات شدید و کم را تجربه می‌کنند؟ ۲۱۳

اضطراب غریبه و اضطراب جدایی: طبیعی هستند ۲۱۵

ارجاع اجتماعی: احساس آنچه دیگران احساس می‌کنند ۲۱۶

رشد خود: آیا نونهالان و نوپایان می‌دانند چه کسی هستند؟ ۲۱۸

از پژوهش تا عمل

آیا نونهالان و نوپایان اخلاق را درک می‌کنند؟ ۲۲۰

نظریه ذهن: دیدگاه نونهالان و نوپایان نسبت به زندگی ذهنی دیگران و خودشان ۲۲۰

شکل‌دهی روابط ۲۲۱

دلبستگی: شکل‌دهی پیوندهای اجتماعی ۲۲۲

شکل‌گیری دلبستگی: نقش مادر و پدر ۲۲۵

از پژوهش تا عمل

داستان خواندن برای کودکان: کتاب‌های واقعی را حفظ

کنیم ۲۸۹

فصل ۸ | رشد اجتماعی و شخصیتی در

سال‌های پیش از دبستان ۲۹۳

پیش‌نگری ۲۹۴

شکل‌گیری شناخت خود ۲۹۵

رشد روانی اجتماعی: حل تعارضات ۲۹۵

خودپنداره در سال‌های پیش از دبستان: تفکر درباره خود ۲۹۶

آگاهی نژادی، قومیتی و جنسیتی ۲۹۷

تنوع رشدی و زندگی شما

رشد آگاهی قومی و نژادی ۲۹۸

خانواده و دوستان: زندگی اجتماعی کودکان

پیش‌دبستانی ۳۰۴

رشد دوستی‌ها ۳۰۴

بازی باقاعده: کار بازی ۳۰۵

نظریه ذهن کودکان پیش‌دبستانی: درک آنچه دیگران فکر

می‌کنند ۳۰۸

از پژوهش تا عمل

چگونه کودکان دروغ‌گویان بهتری می‌شوند ۳۱۰

زندگی خانوادگی کودکان پیش‌دبستانی ۳۱۰

فرزندپروری مؤثر: آموزش رفتار مناسب ۳۱۱

کودک‌آزاری و بدرفتاری روان‌شناختی: جنبه تاریک خانواده ۳۱۴

آیا شما مصرف‌کننده مطلع رشدی هستید؟

تربیت کودکان ۳۱۸

تاب‌آوری: غلبه بر دشواری‌ها ۳۱۸

رشد اخلاقی و پرخاشگری ۳۱۹

رشد اخلاق: تبعیت از حقوق و تخطی اجتماعی ۳۲۰

پرخاشگری و خشونت در کودکان پیش‌دبستانی: منابع و

پيامدها ۳۲۳

آیا شما مصرف‌کننده مطلع رشدی هستید؟

افزایش رفتار اخلاقی و کاهش پرخاشگری در کودکان

پیش‌دبستانی ۳۲۹

فصل ۹ | رشد جسمی و شناختی در

کودکی میانه ۳۳۷

پیش‌نگری ۳۳۸

رشد جسمی ۳۳۹

رشد بدن ۳۳۹

آیا شما مصرف‌کننده مطلع رشدی هستید؟

کودکان را متناسب نگه دارید ۳۴۳

رشد حرکتی ۳۴۴

سلامت جسمی و روانی در طی کودکی میانه ۳۴۵

کودکان با نیازهای ویژه ۳۴۹

از پژوهش تا عمل

آیا دارودرمانی کودکان مبتلا به اختلال کاستی توجه/بیش‌فعالی

مزایای تحصیلی دارد؟ ۳۵۳

رشد هوشی ۳۵۴

رویکرد پیازه نسبت به رشد شناختی ۳۵۵

پردازش اطلاعات در کودکی میانه ۳۵۸

دیدگاه ویگوتسکی به رشد شناختی و آموزش کلاسی ۳۵۹

رشد زبان: معنای لغات ۳۶۱

تحصیل: خواندن، نوشتن و حساب (و بیشتر) در کودکی

میانه ۳۶۳

خواندن: یادگیری رمزگشایی معنای پشت لغات ۳۶۴

روندهای آموزشی: فراتر از خواندن، نوشتن و حساب ۳۶۶

تنوع رشدی و زندگی شما

آموزش چندفرهنگی ۳۶۷

هوش: تعیین قوت‌های فردی ۳۶۹

پایین و بالای هنجارهای هوشی: کم‌توانی ذهنی و تیزهوشی ۳۷۸

فصل ۱۰ | رشد اجتماعی و شخصیتی در

کودکی میانه ۳۸۵

پیش‌نگری ۳۸۶

رشد خود ۳۸۷

رشد روانی اجتماعی در کودکی میانه ۳۸۷

جنسیت و دوستی‌ها: جدایی جنسی کودکان میانه..... ۴۰۶

دوستی‌های بین نژادی: یکپارچگی در داخل و خارج از کلاس ۴۰۸
خانواده و مدرسه: شکل‌گیری رفتار کودکان در کودکی

میانه..... ۴۰۹

خانواده‌ها: تغییر محیط خانه..... ۴۰۹

مدرسه: محیط تحصیلی..... ۴۱۶

تنوع رشدی و زندگی شما

توضیح موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان آسیایی..... ۴۱۸

واژه‌نامه انگلیسی به فارسی..... ۴۲۵

واژه‌نامه فارسی به انگلیسی..... ۴۲۸

نمایه..... I-1

شناخت خود: پاسخی جدید به «من کیستم؟»..... ۳۸۸

عزت‌نفس: رشد دیدگاه مثبت-یا منفی- نسبت به خود..... ۳۹۰

از پژوهش تا عمل

خطر تحسین اغراق‌آمیز..... ۳۹۳

تنوع رشدی و زندگی شما

آیا کودکان خانواده‌های مهاجر به خوبی سازگار شده‌اند؟..... ۳۹۴

رشد اخلاقی..... ۳۹۵

روابط: ایجاد دوستی در کودکی میانه..... ۳۹۹

مراحل دوستی: تغییر دیدگاه دوستان..... ۴۰۰

تفاوت‌های فردی در دوستی: چه چیزی یک کودک را محبوب

می‌سازد..... ۴۰۱

آیا شما مصرف‌کننده مطلع رشدی هستید؟

افزایش شایستگی اجتماعی کودکان..... ۴۰۵

سخن مترجم

روانشناسی تحولی که پیش از این روانشناسی رشد نامیده می‌شد، به عنوان یک رشته میان‌رشته‌ای، به مطالعه تحول انسان از لحظه انعقاد نطفه تا مرگ می‌پردازد. حوزه مطالعه این رشته بسیار گسترده است، از مطالعه رشد جسمی تا رشد شناختی، و رشد اجتماعی و شخصیتی. با این حال، روانشناسان تحولی هر جنبه از رشد را فقط از این نظر مطالعه می‌کنند که این رشد چه اثری بر رفتار فرد دارد. برای مثال، گرچه در این رشته رشد قد و وزن بررسی می‌شود ولی صرف رشد این موارد برای روانشناسان تحولی مهم نیست بلکه اثر رشد قد و وزن بر رفتار فرد برای آنها اهمیت دارد. به عنوان مثال، کوتاهی قد در نوجوانی چه اثری بر رفتار نوجوان دارد. همچنین، به خاطر تسهیل مطالعه، ابعاد مختلف رشد (جسمی، شناختی، اجتماعی و شخصیتی) از یکدیگر جدا می‌شوند در حالی که در واقعیت یک رابطه متقابل و جدایی‌ناپذیر بین این ابعاد وجود دارد. گرچه روانشناسان پیشگام در حوزه روانشناسی تحولی، در ابتدا بیشتر متمرکز بر بررسی رشد در دوره کودکی و نوجوانی بودند و به همین خاطر کلمه «رشد» را استفاده می‌کردند ولی در حال حاضر، روانشناسان تحولی به بررسی «تحول در گستره زندگی» علاقه‌مند هستند. از آنجایی که بیشتر توانمندی‌ها و شایستگی‌ها با افزایش سن دچار تغییر می‌شوند و این تغییر می‌تواند در یک یا دو دوره سنی، افزایشی و در دوره‌های بعدی کاهش‌ی باشد، برخی از روانشناسان ایرانی اصطلاح «تحول» را مناسب‌تر از اصطلاح «رشد» می‌دانند. با این حال، به خاطر راحت‌تر بودن خوانندگان با اصطلاح «رشد»، مترجم کتاب حاضر، از این اصطلاح استفاده کرده است. کتاب حاضر که توسط پروفسور فلدمن تألیف شده، ویژگی‌های ممتازی دارد که آن را از سایر منابع معتبر در این زمینه متمایز

می‌کند. در این کتاب سعی شده است علاوه بر طرح نظریه‌ها، پژوهش‌های جدید نیز مطرح شوند. همچنین، برای نویسنده کتاب بسیار مهم بوده است که مطالب کتاب علاوه بر اصالت، برای خواننده از جذابیت نیز برخوردار باشد و به گونه‌ای خواننده مطالب را به زندگی روزمره پیوند دهد. به همین خاطر، مثال‌های کاربردی در جای‌جای کتاب طرح شده‌اند. همچنین، برای تسهیل یادگیری دانشجویان و کمک به اساتید جهت ارزیابی آموخته‌های یادگیری دانشجویان، هدف‌های یادگیری در ابتدای هر فصل طرح شده است و مطالب فصل متناسب با این اهداف یادگیری سازماندهی شده‌اند. نویسنده با کمک گرفتن از راهبردهای تسهیل یادگیری، تلاش کرده است از تصاویر، نمودارها و جداول در جای مناسب استفاده کند، همچنین، در حاشیه کتاب، اصطلاحات تخصصی را تعریف کرده است. علاوه بر اینها، نویسنده در ابتدای هر فصل یک سناریو طرح کرده که با محتوای فصل مرتبط است و در انتهای فصل از دانشجو درخواست کرده با اتکا به دانشی که با مطالعه مطالب فصل به دست آورده، سوالات مرتبط به سناریوی را پاسخ دهد.

با توجه به امتیازات واضح این کتاب نسبت به سایر منابع موجود در بازار ایران، ترجمه این کتاب را برعهده گرفتم تا دانشجویان مقاطع مختلف در رشته‌های روانشناسی و علوم تربیتی، همچنین مربیان و معلمان از یک منبع معتبر و باارزش بهره‌مند شوند. امیدوارم این اثر، به افزایش دانش دانشجویان و معلمان نسبت به رشته رشد در گستره زندگی کمک کند.

لازم به یادآوری است که هر کجا مترجم چیزی به متن اصلی افزوده، آن را در داخل [] قرار داده است.

مهدی عبدالله‌زاده رافی

پاییز ۱۳۹۹

درباره نویسنده



خود را با درجه عالی از دانشگاه وسلیمان دریافت کرد (وی از این دانشگاه جایزه برجسته فارغ‌التحصیلان را دریافت کرد). وی دارای مدرک کارشناسی ارشد و دکتری از دانشگاه ویسکانسین-مدیسون است. او برنده جایزه پژوهشگر ارشد و سخنران فولبرایت است و بیش از ۱۰۰ کتاب، فصل کتاب و مقاله علمی تألیف کرده است. وی ویرایش کتاب رشد رفتار غیرکلامی در کودکان و کاربردهای نظریه و تحقیقات رفتاری غیرکلامی، و ویرایش مشترک میانی رفتار غیرکلامی (انتشارات دانشگاه کمبریج) را انجام داده است. او همچنین نویسنده کتاب رشد کودک، درک روانشناسی و قدرت یادگیری: راهبردهایی برای موفقیت در دانشگاه و زندگی است. کتاب‌های وی به زبان‌های زیادی از جمله اسپانیایی، فرانسوی، پرتغالی، هلندی، چینی، کره ای، آلمانی، عربی و ژاپنی ترجمه شده است. علایق تحقیقاتی وی شامل صداقت و فریب در زندگی روزمره است، وی نتایج پژوهش‌هایش را در کتاب دروغ‌گو در زندگی تو، کتاب تجاری منتشر شده در سال ۲۰۰۹، توصیف کرده است. تحقیقات وی با کمک‌های مالی موسسه ملی بهداشت روان و انستیتوی ملی ناتوانی‌ها و تحقیقات توان‌بخشی انجام شده است. پروفیسور فلدمن رئیس فدراسیون انجمن‌های بنیاد علوم رفتاری و مغز است، کنسرسیومی از جوامع مفید علوم اجتماعی، علاوه بر این، او عضوی از هیئت‌مدیره رادیوی عمومی نیوانگلند است. پروفیسور فلدمن عاشق موسیقی است، یک پیانیست مشتاق است و از آشپزی و مسافرت لذت می‌برد. او سه فرزند، چهار نوه دارد. او و همسرش، روانشناس، در غرب ماساچوست در خانه‌ای مشرف به رشته‌کوه هلووک زندگی می‌کنند.

رابرت اس. فلدمن استاد روانشناسی و علوم مغزی و معاون دانشگاه ماساچوست آمهرست است. وی به‌عنوان برنده جایزه استاد برجسته کالج، در کلاس‌های روانشناسی ۱۵ تا نزدیک به ۵۰۰ دانشجویی تدریس می‌کند. در طول بیش از سه دهه کار به‌عنوان مدرس دانشگاه، وی علاوه بر دانشگاه ماساچوست، در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد در کالج مونت هولیوک، دانشگاه وسلیمان و دانشگاه کشوری ویرجینیا تدریس کرده است. پروفیسور فلدمن، علاوه بر راه‌اندازی برنامه مشاوره اقلیت‌ها در دانشگاه ماساچوست، به‌عنوان همیار تدریس دیولت و هم‌یار ارشد آموزش آنلاین فعالیت داشته است. وی دوره‌های آموزش از راه دور روانشناسی را در دانشگاه ماساچوست راه‌اندازی کرده است. پروفیسور فلدمن، عضو انجمن روانشناسی آمریکا، انجمن علوم روانشناسی و انجمن پیشرفت علوم آمریکا، مدرک کارشناسی

پیشگفتار

این کتاب داستانی را روایت می‌کند: داستان زندگی ما، زندگی والدین و فرزندانمان. این داستان انسان‌ها است و اینکه چگونه آن‌ها به شکل فعلی خود درآمده‌اند.

رشته رشد در گستره زندگی برخلاف سایر حوزه‌های علمی، با زبانی بسیار آشنا با ما حرف می‌زند. این رشته دوره‌های مختلف زندگی انسان از لقاح تا مرگ را پوشش می‌دهد. گرچه این رشته با ایده‌ها، مفاهیم و نظریه‌ها سروکار دارد ولی مهم‌تر از همه این‌ها، احساسات افراد-مادر، پدر، دوستان، آشنایان و خودمان است.

رشد در گستره زندگی می‌خواهد این رشته را به گونه‌ای معرفی کند که باعث برانگیختن، پرورش دادن و شکل دادن به علایق خوانندگان شود. هدف این است که دانشجویان را به این رشته علاقه‌مند کند، کاری کند که آن‌ها از این دیدگاه جهان ببینند و مسائل رشدی را درک کنند. کتاب درسی، سعی دارد خوانندگان را هم با محتوای اخیر و هم با موارد وراثتی در رشد در گستره زندگی مواجه سازد تا علاقه آن‌ها به رشته، مدت‌ها پس از فارغ‌التحصیلی ادامه یابد.

نگاهی به ویرایش هشتم

ویرایش هشتم رشد در گستره زندگی - مانند نسخه‌های پیشین - مروری گسترده بر حوزه رشد انسانی دارد. این ویرایش تمام دامنه زندگی انسان، از لحظه لقاح تا مرگ را پوشش می‌دهد. متن مقدمه‌ای گسترده و جامع در این زمینه را شامل می‌شود، نظریه‌های اصلی و یافته‌های پژوهشی و همچنین کاربردهای رایج خارج از آزمایشگاه را برجسته می‌کند. این ویرایش گستره زندگی را از لحاظ سنی بررسی می‌کند از جمله دوره قبل از تولد، نونهالی و نوپایی، سال‌های پیش‌دبستانی، کودکی میانه، نوجوانی، اوایل، اواسط و اواخر بزرگسالی. در این دوره‌ها، تمرکز بر رشد جسمی، شناختی، اجتماعی و شخصیتی قرار دارد.

این کتاب به دنبال تحقق چهار هدف اصلی زیر است:

- اول و مهم‌ترین، این کتاب برای ارائه یک دید کلی و متعادل از رشته رشد در گستره زندگی طراحی شده است. این کتاب با بررسی هر دو حوزه سنتی این رشته و نوآوری‌های اخیر،

خوانندگان را با نظریه‌ها، تحقیقات و برنامه‌های کاربردی این رشته آشنا می‌کند. توجه ویژه به برنامه‌های ایجادشده توسط متخصصان رشد در گستره زندگی، نشان می‌دهد که چگونه متخصصان رشد از نظریه، تحقیق و برنامه‌ها برای کمک به حل مشکلات اجتماعی مهم، استفاده می‌کنند.

- هدف دوم کتاب حاضر این است که صریحاً رشد را به زندگی دانشجویان پیوند بزند. یافته‌های حاصل از مطالعه رشد در گستره زندگی خیلی به دانشجویان مرتبط است و این کتاب نشان می‌دهد که چگونه می‌توان از این یافته‌ها به شکلی عملی و معنی‌دار استفاده کرد. کاربردها در یک چارچوب هم‌زمان ارائه می‌شوند، از جمله اخبار فعلی، وقایع به‌روز جهان و استفاده‌های فعلی از رشد در گستره زندگی که این کار خوانندگان را به این حوزه علاقه‌مند می‌کند. سناریوهای و شکل‌های توصیفی منعکس‌کننده شرایط روزمره زندگی افراد است، و نحوه ارتباط آن‌ها با این رشته را توضیح می‌دهد.

- هدف سوم برجسته کردن اشتراکات و تنوع جامعه چند فرهنگی امروزی است. در نتیجه، این کتاب شامل مطالب مرتبط با تنوع در همه اشکال آن - نژادی، قومی، جنسیتی، گرایش جنسی، مذهب و فرهنگی - در هر فصل است. بعلاوه، هر فصل حداقل یک کادر تنوع رشدی دارد. این ویژگی‌ها به‌صراحت در نظر می‌گیرند که چگونه عوامل فرهنگی مرتبط با رشد جامعه ما را متحد و متنوع می‌کند.

- سرانجام، هدف چهارم هدفی است که در سه هدف دیگر نهفته است: درگیر کردن، دسترسی‌پذیری و علاقه‌مند کردن دانشجویان به رشته رشد در گستره زندگی. هم مطالعه و هم تدریس رشد در گستره زندگی لذت‌بخش است. چون برای زندگی ما معنای مستقیم و فوری دارد. چون همه ما درگیر مسیرهای رشدی خودمان هستیم، به شکل‌های کاملاً شخصی با حوزه‌های محتوایی کتاب درگیر هستیم. بنابراین رشد در گستره زندگی برای جلب و پرورش این علاقه، بذری می‌کارد که در طول زندگی خوانندگان رشد و شکوفا خواهد شد.

دانشجویان کمک می‌کند تا تأثیر تحقیقات رشدی را در جامعه ببینند. بسیاری از آن‌ها در این ویرایش، جدید هستند.

تنوع رشدی

در هر فصل حداقل یک بخش «تنوع رشدی» در متن گنجانده شده است. این بخش‌ها موضوعات مربوط به جامعه چند فرهنگی امروز را برجسته می‌کند.

لغتنامه داخل متن

اصطلاحات کلیدی در حاشیه صفحه‌ای که اصطلاح در آن ارائه شده، تعریف شده‌اند.

آیا شما مصرف‌کننده مطلع رشدی هستید؟

هر فصل شامل اطلاعاتی در مورد کاربردهای خاصی است که می‌تواند از تحقیقات انجام شده توسط محققان رشد حاصل شود.

بخش‌های مرور و موضوعی برای بحث

در هر فصل سه مرور کوتاه از نکات اصلی فصل، همچنین موضوعی برای بحث وجود دارد که برای برانگیختن تفکر انتقادی درباره موضوع از طریق پاسخ کتبی طراحی شده است.

مواد آخر فصل

کلام آخر و مرور فصل هر فصل با یک کلام آخر و یک مرور فصل به پایان می‌رسد که به مقدمه فصل اشاره دارد و فصل را به هم پیوند می‌دهد. در مرور فصل، اهداف یادگیری فصل بررسی می‌شود.

ارجاعات شغلی

دانشجویان در سرتاسر کتاب با سؤالات فروانی روبه‌رو می‌شوند که کاربرد مواد را برای شغل‌های مختلف از جمله مربی، پرستار، مددکار اجتماعی و مراقبان سلامت نشان می‌دهد.

ادغام همه با هم

در نقشه‌های مفهومی یکپارچه پایان بخش، یک تصویر کوتاه ارائه شده است و از دانشجو خواسته می‌شود که این تصویر را از نظر خود و دیدگاه والدین، مربیان، مراقبان سلامت، مددکاران اجتماعی و غیره در نظر بگیرند.

در تحقق این اهداف، کتاب تلاش می‌کند کاربرپسند باشد. با لحنی مستقیم و مکالمه‌ای نوشته شده، و تا حد امکان مکالمه بین نویسنده و دانشجو را تکرار می‌کند. هدف کتاب این است که توسط هر دانشجویی با هر سطح از علاقه و انگیزه درک شود. به همین منظور، شامل ویژگی‌های مختلف آموزشی است که تسلط بر مطالب را تقویت می‌کند و تفکر انتقادی را ترغیب می‌کند.

به‌طور خلاصه، این کتاب با تمرکز بر گستره رشد انسانی، نظریه، تحقیقات و کاربردها را با هم تلفیق و ادغام می‌کند. علاوه بر این، به‌جای تلاش برای تهیه یک شرح دقیق تاریخی از این رشته، بر اینجا و اکنون متمرکز است، و در صورت لزوم از گذشته استفاده می‌کند، اما با توجه به مشخص کردن موضوع در حال حاضر و جهت‌هایی که به سمت آن در حال تکامل است. به همین ترتیب، ضمن ارائه توصیفاتی از مطالعات کلاسیک، تأکید بیشتر بر یافته‌ها و روند تحقیقات فعلی است.

هدف کتاب رشد در گستره زندگی این است که کتابی باشد که خوانندگان می‌خواهند آن را در کتابخانه‌های شخصی خود نگهداری کنند، و وقتی می‌خواهند مسائل مربوط به جذاب‌ترین سؤالات را مدنظر قرار دهند، مانند چگونه افراد تبدیل به چیزی می‌شوند که هستند؟ آن را از قفسه خود بردارند.

ویژگی‌های اختصاصی

مقدمه‌های ابتدای فصل

هر فصل با یک تصویر کوتاهی آغاز می‌شود که یک فرد یا وضعیت مربوط به مسائل اساسی رشد مورد بحث در فصل را توصیف می‌کند.

بخش‌های پیش‌نگری

بخش‌های پیش‌نگری خوانندگان را به سمت مباحث مورد نظر سوق می‌دهد، و مقدمه آغازین را با باقی فصل پیوند می‌دهد.

اهداف یادگیری

هر بخش اصلی شامل اهداف صریح یادگیری است. این اهداف یادگیری شماره‌دار راهی برای اساتید فراهم می‌کند تا تسلط دانشجویان بر محتوای مشخصی را ارزیابی کنند.

از پژوهش تا عمل

هر فصل شامل بخشی است که تحقیقات جدید مربوط به رشد را که برای مشکلات روزمره انجام می‌شوند، توصیف می‌کند و به

- اختلال افسردگی اساسی
- تفسیر احتمال نقص مادرزادی

فصل ۳

- مزایای ماساژ نوزادان
- میزان مرگ‌ومیر نوزادان ایالات‌متحده (شکل جدید)
- ترجیحات چشایی در رحم
- والدین هنگام گفتگو با نونهالان گفتار را تغییر می‌دهند

فصل ۴

- درصد مرگ‌ومیر ناشی از سندرم کودک تکان خورده
- انعطاف‌پذیری مغز
- آمار سندرم مرگ ناگهانی نوزاد (شکل جدید)
- سوء‌تغذیه در ایالات‌متحده
- سوء‌تغذیه در سراسر جهان (شکل جدید)
- درصد خانواده‌های کم‌درآمد و فقیر (شکل جدید)
- تحقیقات اخیر در مورد شیر مادر
- ارتباط ماساژ نونهال با رشد اجتماعی

فصل ۵

- رفلکس مکیدن و انتقال به مرحله بعدی
- رشد مغز و فراموشی نونهالی
- مفید بودن مقیاس‌های بیلی
- تغییر در سبک گفتار با خارجی‌ها

فصل ۶

- هیجانان نونهال
- مشارکت پدران در مراقبت از کودک
- شکنج دوکی و توجه به چهرهٔ کودکان
- نوزادان «متخصص»
- به‌روزرسانی در مورد خانواده‌ها در قرن بیست و یکم

فصل ۷

- به‌روزرسانی چاقی در کودکان
- به‌روزرسانی در مورد اختلالات افسردگی در کودکان
- مشاهدهٔ تلویزیون و سایر رسانه‌ها (شکل جدید)

در ویرایش هشتم چه چیزی جدید است؟

این ویرایش تغییرات و اضافات قابل‌توجهی داشته است. از همه مهمتر، متن کنونی شامل فهرستی جامع از اهداف یادگیری خاص و شماره‌گذاری شده است. این به اساتید کمک می‌کند تا آزمون‌های متمرکز بر اهداف خاص یادگیری طراحی کنند و دانشجویان را برای مطالعه کاراتر و کارآمدتر کنند.

علاوه بر این، هر فصل با یک تصویر باز جدید آغاز می‌شود که دانشجویان را با کاربردهای واقعی موضوع فصل آشنا می‌کند. بعلاوه، تقریباً همهٔ کادرهای «از پژوهش تا عمل» - که یک موضوع پژوهش رشدی توسعه‌ای معاصر و پیامدهای کاربردی آن را توصیف می‌کند - در این ویرایش، جدید است.

سرانجام، ویرایش هشتم رشد در گسترهٔ زندگی، اطلاعات جدید و به‌روز زیادی را در خود جای داده است. به‌عنوان مثال، پیشرفت‌هایی در زمینه‌هایی مانند ژنتیک رفتاری، رشد مغز، دیدگاه‌های تکاملی و رویکردهای بین فرهنگی به رشد، پوشش گسترده و جدیدی پیدا کرده‌اند. به‌طور کلی، صدها استناد جدید اضافه شده است که بیشتر آن‌ها از مقالات و کتاب‌های منتشرشده در چند سال گذشته است. مباحث جدید به هر فصل اضافه شد. نمونه زیر از موضوعات جدید و اصلاح‌شده در این ویرایش، نشان خوبی از ویرایش را ارائه می‌دهد:

فصل ۱

- به‌روزرسانی در مورد اولین شخص باردار در شرایط آزمایشگاهی
- کنترل استفاده کودکان از اینترنت
- اثرات طولانی‌مدت جنگ

فصل ۲

- اختلال سندرم الکل جنینی
- به‌روزرسانی شیوع گرسنگی
- به‌روزرسانی شیوع متولدین سندرم داون
- به‌روزرسانی شیوع سندرم کلاین فلتز
- اثرات سقط‌جنین
- سقط‌جنین

اصطلاحات جدید DSM:

- اختلال طیف اوتیسم
- اختلال طیف اسکیزوفرنی

فصل ۸

- بازی و رشد مغز
- اختلال طیف اوتیسم
- خانواده‌های تک‌والدی

فصل ۹

- «راه اندازه‌های» آسم
- اختلال سیالی با شروع در دوران کودکی
- اختلالات ویژه یادگیری
- آمار جدید در مورد افزایش ADHD

فصل ۱۰

- مقابله با قلدری
- آمار جدید درباره خانواده‌های تک‌والد

فصل ۱۱

- چاقی و غذای فوری
- کم‌خوابی در بزرگسالان
- روندهای جدید استفاده از سیگار الکترونیکی
- تغییر در مصرف ماری‌جوآنا

فصل ۱۲

- همدلی در دوره نوجوانی
- تبدیل‌خواهی جنسی

فصل ۱۳

- نرخ قتل در سطح بین‌المللی
- چاقی
- ورزش و طول عمر

فصل ۱۴

- تغییرات شکاف دستمزد جنسیتی
- بزرگسالی در حال ظهور

فصل ۱۵

- میزان بیماری قلبی عروقی
- بروز سرطان پستان
- غربالگری ژنتیکی برای حساسیت به بیماری در آینده

فصل ۱۶

- تغییر در آمار مهاجرت
- رابطه بین سن درک شده و تقویمی
- سن: نتایج سلامتی

فصل ۱۷

- آمار طول عمر
- نسبت افراد بالای ۶۰ سال
- خطر سقوط

فصل ۱۸

- فقر و سالخورده‌گان
- افزایش طلاق در افراد مسن
- پیری به‌عنوان یک حالت ذهنی

فصل ۱۹

- هزینه به‌روزرسانی مراسم خاک‌سپاری
- افزایش محبوبیت سوزاندن بدن^۱

۱. در کتاب اصلی در قسمت پایانی پیشگفتار، بخشی به عنوان «منابع چاپی و رسانه ای مکمل برای اساتید» وجود داشت که به خاطر در دسترس نبودن آنها در ایران، از ترجمه این بخش صرف نظر شد. همچنین، نویسنده از شمار زیادی از افراد قدردانی کرده است که این قسمت نیز ترجمه نشد (مترجم).

بخش اول

سر آغاز

فصل ۱

مقدمه‌ای بر رشد در گستره زندگی



اهداف یادگیری

- هدف ۱-۱.** تعریف رشته رشد در گستره زندگی و توصیف شمول آن.
- هدف ۱-۲.** توصیف حوزه‌های مورد بررسی متخصصان رشد در گستره زندگی.
- هدف ۱-۳.** توصیف برخی از تأثیرات مهم بر رشد انسان.
- هدف ۱-۴.** خلاصه‌سازی چهار مسئله اساسی در زمینه رشد در گستره زندگی.
- هدف ۱-۵.** توصیف رشد در گستره زندگی از دیدگاه روان‌پویایی.
- هدف ۱-۶.** توصیف رشد در گستره زندگی از دیدگاه رفتاری.
- هدف ۱-۷.** توصیف رشد در گستره زندگی از دیدگاه شناختی.
- هدف ۱-۸.** توصیف رشد در گستره زندگی از دیدگاه انسان‌گرایی.
- هدف ۱-۹.** توصیف رشد در گستره زندگی از دیدگاه بافتاری.
- هدف ۱-۱۰.** توصیف رشد در گستره زندگی از دیدگاه تکاملی.
- هدف ۱-۱۱.** بحث درباره ارزش استفاده از دیدگاه‌های چندبعدی در رشد در گستره زندگی.
- هدف ۱-۱۲.** توصیف نقش نظریه‌ها و فرضیه‌ها در مطالعه رشد.
- هدف ۱-۱۳.** مقایسه دو طبقه عمده پژوهش‌های رشد در گستره زندگی.
- هدف ۱-۱۴.** شناسایی انواع متفاوت پژوهش‌های همبستگی و رابطه آن‌ها با علت و معلول.
- هدف ۱-۱۵.** توضیح جنبه‌های اصلی یک آزمایش.
- هدف ۱-۱۶.** تمیز بین پژوهش‌های نظری و کاربردی.
- هدف ۱-۱۷.** مقایسه پژوهش‌های طولی، پژوهش‌های مقطعی و پژوهش‌های متوالی.
- هدف ۱-۱۸.** توصیف برخی از مسائل اخلاقی اثرگذار بر پژوهش‌های روان‌شناختی.

چارچوب فصل

جهت‌گیری رشد در گستره زندگی

جهت‌گیری رشد در گستره زندگی

دامنه رشته رشد در گستره زندگی

تأثیرات بر رشد در گستره زندگی

پرسش‌ها و مسائل اصلی: تعیین نقش طبیعت و تربیت در رشد

در گستره زندگی

دیدگاه‌های نظری درباره رشد در گستره زندگی

دیدگاه روان‌پویایی: تمرکز بر درون فرد

دیدگاه رفتاری: تمرکز بر رفتار آشکار

دیدگاه شناختی: بررسی ریشه‌های شناخت

دیدگاه انسان‌گرایی: تمرکز بر ویژگی‌های انسانی

دیدگاه بافتاری: اتخاذ رویکردی گسترده به رشد

دیدگاه تکاملی: مشارکت اجدادمان در رفتار

چرا سؤال «کدام رویکرد درست می‌گوید؟» نادرست است

روش‌های پژوهش

نظریه‌ها و فرضیه‌ها: طرح سؤالات رشدی

انتخاب راهبرد پژوهش: پاسخ به سوالات

آزمایش‌ها: تعیین علت و معلول

پژوهش‌های نظری و کاربردی: رویکردهای مکمل

اندازه‌گیری تغییرات رشدی

اخلاق و پژوهش

مقدمه: لقاح جدید

چه می‌شد اگر برای همه زندگی‌تان تصویری که دیگران از شما داشتند، تحت‌تأثیر شیوه‌ای بود که شما لقاح یافته بودید؟

به شکلی، این همان چیزی است که برای لوئیز براون رخ داده است؛ براون اولین «نوزاد آزمایشگاهی» در دنیا است که از طریق لقاح آزمایشگاهی به دنیا آمده است، در این روش، تخمک مادر توسط اسپرم پدر در خارج از بدن مادر بارور می‌شود. لوئیز پیش‌دستانی بود که والدینش نحوه لقاحش را به او گفتند، وی در سرتاسر کودکی‌اش با هجوم سؤالات دیگران روبه‌رو بود. در واقع، برای وی توضیح این نکته به همکلاس‌هایش که در آزمایشگاه به دنیا نیامده است، تبدیل به یک عادت شده بود.

لوئیز در کودکی گاهی کاملاً احساس تنهایی می‌کرد. او گفت «فکر می‌کردم فقط من به این شیوه لقاح یافته‌ام.» ولی وقتی بزرگ‌تر شد، چون بچه‌های دیگری نیز به این شیوه لقاح یافته بودند، احساس انزوای وی کاهش یافت.

در واقع، لوئیز دیگر امروز تنها نیست. بیش از ۵ میلیون نوزاد به شیوه مشابه وی لقاح یافته‌اند و این روش تقریباً رایج شده است و در ۲۸ سالگی، لوئیز خودش مادر شده و پسر بچه‌ای به نام کامرون دارد که به شیوه طبیعی لقاح یافته است (فالکو، ۲۰۱۲؛ آسیامارتی، ۲۰۱۲). ■

پیش‌نگری

گرچه ممکن است نحوه لقاح لوئیز براون جدید باشد ولی رشد وی از نونهالی تا کودکی و نوجوانی، ازدواجش و به دنیا آمدن فرزندش از یک الگوی مشخص پیروی کرده است. ویژگی‌های رشد ما متفاوت است: برخی با بحران اقتصادی روبه‌رو می‌شوند یا در سرزمین‌های جنگ‌زده زندگی می‌کنند؛ برخی با مسائل ژنتیکی یا خانوادگی روبه‌رو می‌شوند مانند طلاق یا فرزندخواندگی. باین‌حال، کلیت رشد، در حد زیادی برای همه ما شبیه است؛ مانند لبرون جیمز، بیل گیتس و ملکه انگلستان، همه ما در حال گذر از گستره‌ای به نام رشد در گستره زندگی هستیم.



لوئیس براون و پسرش

لقاح لوئیس براون در آزمایشگاه فقط یکی از بی‌پروایی‌ها در قرن بیست‌ویک است. مسائلی از قبیل لقاح غیرجنسی تا پیامدهای فقر بر رشد یا جلوگیری از ایدز، نگرانی‌های مهمی هستند که بر رشد انسان اثر می‌گذارند. مسائل جدی‌تری از این‌ها نیز وجود دارد: به لحاظ جسمی چگونه رشد می‌کنیم؟ شناخت ما نسبت به دنیا چگونه افزایش می‌یابد و در طول زندگی‌مان تغییر می‌کند؟ و شخصیت و روابط اجتماعی ما از تولد تا آخر عمرمان چگونه تحول می‌یابند؟

همه این سوالات و بسیاری دیگر از این قبیل که در طول این کتاب با آن‌ها مواجه می‌شویم، هسته رشته رشد در گستره زندگی هستند. به‌عنوان یک رشته، رشد در گستره زندگی نه تنها شامل گستره زمانی وسیع-از قبل از تولد تا مرگ- می‌شود بلکه دامنه گسترده‌ای از

حوزه‌های رشدی را نیز در بر می‌گیرد. برای مثال، به علاقه‌مندی‌های متفاوتی که متخصصان رشد در گستره زندگی هنگام بررسی زندگی لوئیس براون به آن توجه می‌کنند، دقت کنید:

- پژوهشگران گستره زندگی که رفتار را در سطح فرآیندهای زیستی مطالعه می‌کنند، ممکن است علاقه‌مند باشد بفهمند آیا عملکرد لوئیس قبل از تولد تحت تأثیر لقاح وی در خارج از رحم قرار گرفته است.
- پژوهشگران گستره زندگی که ژنتیک را مطالعه می‌کنند، ممکن است این موضوع را بررسی کنند که چگونه ذخیره ژنتیکی لوئیس که از والدینش به وی رسیده است، رفتاری بعدی وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.
- پژوهشگران گستره زندگی که چگونگی تغییرات تفکر در طول زندگی را مطالعه می‌کنند، ممکن است این موضوع را بررسی کنند که چگونه شناخت لوئیس از ماهیت لقاحش همان‌طور که بزرگ‌تر شده، تغییر کرده است.
- پژوهشگران گستره زندگی که رشد اجتماعی را مطالعه می‌کنند، ممکن است این موضوع را بررسی کنند که لوئیس چگونه با دیگران تعامل برقرار می‌کند و دوست می‌شود.
- اگرچه علاقه‌مندی‌های متخصصان حوزه رشد در گستره زندگی متفاوت است ولی آن‌ها یک دغدغه مشترک دارند: درک رشد و تغییراتی که در طول عمر رخ می‌دهد. باینکه رویکردهای متفاوتی وجود دارد ولی متخصصان رشد، به بررسی این موضوع می‌پردازند که چگونه وراثت و محیط به‌طور مشترک بر رفتار ما اثر می‌گذارند.

برخی از متخصصان رشد به بررسی این مطلب می‌پردازند که چگونه زمینه زیستی ما می‌تواند نه تنها بر ظاهر بلکه بر رفتار و روابط پایدار ما با دیگران -که موضوع شخصیت است، اثر بگذارد. آن‌ها با استفاده از برخی از شیوه‌ها، می‌خواهند تعیین کنند چقدر از ظرفیت انسانی ما تحت تأثیر وراثت است. دیگر متخصصان حوزه رشد در گستره زندگی، برای تعیین شیوه‌هایی که زندگی ما تحت تأثیر دنیای بیرونی قرار می‌گیرد، به بررسی محیط می‌پردازند. آن‌ها بررسی می‌کنند که چقدر تحت تأثیر محیط‌های اولیه قرار می‌گیریم و چگونه شرایط فعلی، به شیوه‌های آشکار و ناآشکار بر رفتار ما اثر می‌گذارد.

چه متخصصان رشد بر وراثت تمرکز کنند چه بر محیط، همه آن‌ها اذعان می‌کنند که نه وراثت و نه محیط به تنهایی نمی‌توانند مسئول رشد و تغییرات کامل انسان باشند. در عوض، شناخت ما از رشد افراد، نیازمند این است که ما تعامل وراثت و محیط را بررسی کنیم و تلاش کنیم بفهمیم که در نهایت چگونه این دو در رفتار انسان نقش دارند.

در این فصل، به بررسی رشته رشد در گستره زندگی می‌پردازیم. با بحث درباره دامنه رشته شروع می‌کنیم، حیطه

گسترده موضوعاتی که این رشته پوشش می‌دهد و دامنه سنی کامل، از لقاح تا مرگ را توضیح می‌دهیم. همچنین، به بررسی مسائل کلیدی و اختلافاتی که در این زمینه وجود دارد، می‌پردازیم و نگاهی به دیدگاه‌های اصلی که متخصصان رشد دارند، می‌اندازیم. در آخر، به توضیح شیوه‌هایی می‌پردازیم که متخصصان رشد از پژوهش برای مطرح کردن و پاسخ دادن به سؤالات استفاده می‌کنند.

جهت‌گیری رشد در گستره زندگی

آیا تا به حال فکر کرده‌اید که چطور یک نوزاد با آن دست‌های خوش‌فرم و ظریفش انگشت شما را محکم می‌چسبند؟ یا شگفت‌زده شده‌اید که چگونه یک کودک پیش‌دبستانی با قاعده نقاشی می‌کشد؟ یا به شیوه تصمیم‌گیری یک نوجوان درباره اینکه چه کسی را به میهمانی دعوت کند یا رعایت اخلاق در دانلود فایل‌های موسیقی فکر کرده‌اید؟ یا در مورد شیوه‌ای که یک سیاستمدار میانسال یک سخنرانی طولانی و بی‌نقص را از حفظ ارائه می‌کند، اندیشیده‌اید؟ یا فکر کرده‌اید که چه چیزی یک پدربزرگ ۸۰ ساله را شبیه زمانی که پدری ۴۰ ساله بود، می‌سازد؟ اگر تاکنون به چنین چیزهایی فکر کرده‌اید، شما نیز همان سؤالاتی را مطرح کرده‌اید که دانشمندان رشته رشد در گستره زندگی مطرح می‌کنند. در این بخش، چگونگی تعریف رشته رشد در گستره زندگی، دامنه این رشته و برخی از تأثیرات اساسی بر رشد انسان را بررسی می‌کنیم.

تعریف رشد در گستره زندگی

هدف ۱-۱. تعریف رشته رشد در گستره زندگی و توصیف شمول آن.

رشد در گستره زندگی رشته‌ای است که الگوهای رشد، تغییرات و ثبات رفتاری را که در سرتاسر طول زندگی اتفاق می‌افتند، مطالعه می‌کند. با اینکه تعریف این رشته ساده به نظر می‌رسد ولی تا حدودی گمراه‌کننده است. برای درک اینکه رشد در واقع چیست، باید نگاهی دقیق به جنبه‌های مختلف آن بیندازیم.

رشته رشد در گستره زندگی، برای مطالعه رشد، تغییرات و ثبات، از رویکردی علمی استفاده می‌کند. شبیه سایر رشته‌های علمی، پژوهشگران رشد در گستره زندگی، فرضیه‌هایی را که درباره ماهیت و دوره‌های رشد انسان دارند، با استفاده از روش‌های علمی آزمون می‌کنند. همان‌طور که در ادامه فصل خواهیم دید، آن‌ها درباره رشد نظریه‌پردازی می‌کنند و از فنون علمی و ساختارمند استفاده می‌کنند تا به صورت نظام‌مند، دقت فرضیه‌هایشان را بیازمایند.

رشد در گستره زندگی، بر رشد انسان متمرکز است. اگرچه متخصصان رشد مسیرهای رشدی گونه‌های غیرانسانی را مطالعه می‌کنند ولی اغلب آن‌ها رشد و تغییرات انسان‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهند. برخی به دنبال درک اصول جهان‌شمول رشد هستند، در عوض، برخی دیگر بر این نکته تمرکز دارند که چگونه تفاوت‌های فرهنگی، نژادی و قومی بر مسیرهای رشدی اثر می‌گذارند. باین‌حال، دیگران به دنبال درک جنبه‌های منحصربه‌فرد افراد هستند و صفات و ویژگی‌هایی را جستجو می‌کنند که باعث تفاوت فرد از سایر افراد می‌شوند. با وجود این،

رشد در گستره زندگی

رشته‌ای است که الگوهای رشد، تغییرات و ثبات رفتاری را که در سرتاسر طول زندگی اتفاق می‌افتند، مطالعه می‌کند.



تمرکز رشد در گستره زندگی بر نحوه‌ای است که افراد در طول زندگی‌شان رشد و تغییر می‌کنند.

صرف‌نظر از هر روشی، متخصصان رشد، به رشد به‌عنوان فرایندی مداوم در سرتاسر گستره زندگی نگاه می‌کنند. گرچه متخصصان رشد بر شیوه‌هایی که افراد در طول زندگی‌شان تغییر و رشد می‌کنند تمرکز دارند، بااین‌حال، آن‌ها ثبات را نیز در زندگی افراد مدنظر قرار می‌دهند. آن‌ها می‌پرسند که در کدام حوزه‌ها و در چه دوره‌هایی افراد دچار تغییر و رشد می‌شوند و چه زمانی و چگونه رفتارشان نشان‌دهنده ثبات و تداوم رفتار قبلی است. درنهایت، متخصصان رشد فرض می‌کنند که فرایندهای رشدی در طول هر دوره از زندگی افراد تداوم دارند و از لحظه لقاح شروع می‌شوند و تا زمان مرگ ادامه می‌یابند. متخصصان رشد فرض می‌کنند که در بعضی از جنبه‌ها، رشد و تغییرات افراد تا پایان زندگی‌شان ادامه می‌یابد درحالی‌که برخی از جنبه‌ها، رفتار آن‌ها باثبات باقی می‌ماند. درعین‌حال، متخصصان رشد معتقدند که هیچ دوره خاص و واحدی از زندگی، همه رشد را تحت‌تأثیر خود قرار نمی‌دهد. در عوض، آن‌ها معتقدند که هر دوره از زندگی حاوی ظرفیتی هم برای رشد و هم برای کاهش در توانایی‌ها است و اینکه افراد ظرفیتی اساسی برای رشد و تغییر در سرتاسر زندگی‌شان دارند.

دامنه رشد در گستره زندگی

هدف ۱-۲. توصیف حوزه‌های مورد بررسی متخصصان رشد در گستره زندگی.

چون تعریف رشد در گستره زندگی وسیع است، دامنه آن نیز وسیع است. در نتیجه، متخصصان رشد در گستره زندگی، حوزه‌های متفاوتی را پوشش می‌دهند، به همین خاطر، یک متخصص رشد، باید انتخاب کند که در چه حوزه موضوعی و در چه دامنه سنی می‌خواهد تخصص پیدا کند.

رشد جسمی

رشد شامل ساختمان بدن از جمله مغز، سیستم عصبی، ماهیچه‌ها، حواس و نیاز به غذا، آب و خواب می‌شود.

حوزه‌های موضوعی رشد در گستره زندگی.

برخی از متخصصان رشد، بر رشد جسمی^۱ متمرکز هستند و به بررسی شیوه‌هایی می‌پردازند که ساختمان بدن-مغز، سیستم عصبی، ماهیچه‌ها، حواس و نیاز به غذا، آب و خواب- بر رفتار اثر می‌گذارد. برای مثال، یک متخصص در زمینه رشد جسمی ممکن است اثر سوء‌تغذیه بر سرعت رشد بدنی کودکان را بررسی کند درحالی‌که متخصص دیگری در این حوزه، ممکن است به بررسی نحوه کاهش عملکرد ورزشی در دوره بزرگسالی بپردازد (فل و ویلیامز، ۲۰۰۸؛ مونیوس و بالستروس، ۲۰۱۴).

رشد شناختی

رشد شامل شیوه‌هایی می‌شود که رشد و تغییر در ظرفیت‌های ذهنی، بر رفتار اثر می‌گذارد.

سایر متخصصان رشد که **رشد شناختی**^۲ را بررسی می‌کنند، به دنبال درک این موضوع هستند که چگونه رشد و تغییرات ظرفیت‌های ذهنی، بر رفتار فرد اثر می‌گذارد. متخصصان رشد شناختی، یادگیری، حافظه، مهارت‌های حل مسئله و هوش را بررسی می‌کنند. برای مثال، متخصصان رشد شناختی ممکن است مایل باشند ببینند چگونه مهارت‌های حل مسئله در طول زندگی تغییر می‌کنند یا اینکه بررسی کنند آیا در شیوه‌ای که مردم موفقیت‌ها و شکست‌های تحصیلی خود را توضیح می‌دهند، تفاوت‌های فرهنگی وجود دارد. آن‌ها ممکن است بخواهند درک کنند فردی که در اوایل زندگی‌اش تجربه‌های مهم یا آسیب‌زا داشته است، چگونه آن تجربه‌ها را بعداً به یاد می‌آورد (آلبالی، فلیس و فیشر، ۲۰۰۹؛ دومکا و همکاران، ۲۰۰۹؛ پنیدو و همکاران، ۲۰۱۲).

رشد شخصیت

مطالعه ثبات و تغییرات در خصوصیات پایداری است که فرد را در طول عمر از سایر افراد متمایز می‌سازند.

درنهایت، برخی از متخصصان رشد، رشد شخصیتی و اجتماعی را بررسی می‌کنند. **رشد شخصیت**^۳، مطالعه ثبات و تغییرات در خصوصیات پایداری است که فرد را در طول عمر از سایر افراد متمایز می‌سازند. **رشد اجتماعی**^۴ نشان‌دهنده شیوه‌ای است که در طول عمر، تعاملات فرد با دیگران و روابط اجتماعی‌اش رشد و تغییر می‌کند و باثبات می‌ماند. یک متخصص علاقه‌مند به رشد شخصیتی، ممکن است بپرسد آیا صفات شخصیتی در طول زندگی باثبات هستند، در عوض یک متخصص رشد اجتماعی ممکن است اثرات نژادپرستی یا فقر یا طلاق را بر رشد بررسی

رشد اجتماعی

نشان‌دهنده شیوه‌ای است که در طول عمر، تعاملات فرد با دیگران و روابط اجتماعی‌اش رشد و تغییر می‌کند و باثبات می‌ماند.

1. physical development

2. cognitive development

3. personality development

4. social development

جدول ۱-۱. رویکردها به رشد در گستره زندگی

جهت‌گیری	تعریف ویژگی‌ها	نمونه‌هایی از سؤالات پرسیده شده*
رشد جسمی	تأکید بر نحوه اثر مغز، سیستم عصبی، ماهیچه‌ها، ظرفیت‌های حسی و نیاز به غذا، آب و خواب بر رفتار	<ul style="list-style-type: none"> • چه چیزی جنسیت کودک را تعیین می‌کند؟ (۲) • نتایج بلندمدت زایمان زودرس چیست؟ (۳) • مزایای شیر مادر چیست؟ (۴) • پیامدهای بلوغ زودرس یا دیررس چیست؟ (۱) • چه چیزی باعث جاقی در بزرگسالی می‌شود؟ (۱۳) • چگونه بزرگسالان با استرس مقابله می‌کنند؟ (۱۵) • علائم بیرونی و درونی پیری چیست؟ (۱۷) • چگونه مرگ را تعریف می‌کنیم؟ (۱۹)
رشد شناختی	تأکید بر توانایی‌های ذهنی از جمله یادگیری، حافظه، حل مسئله و هوش	<ul style="list-style-type: none"> • اولین خاطراتی که از دوران خردسالی می‌توان به یاد آورد، چیست؟ (۵) • پیامدهای ذهنی تماشای تلویزیون چیست؟ (۷) • آیا مهارت‌های استدلال فضایی با تمرین موسیقی رابطه دارد؟ (۷) • آیا دوزیادگی مفید است؟ (۹) • چگونه خودمحوری نوجوان بر دیدگاه وی از جهان تأثیر می‌گذارد؟ (۱۱) • آیا تفاوت‌های قومی و نژادی در هوش وجود دارد؟ (۹) • آیا خلاقیت با هوش ارتباط دارد؟ (۱۳) • آیا هوش در اواخر بزرگسالی کاهش می‌یابد؟ (۱۷)
رشد شخصیتی و اجتماعی	تأکید بر ویژگی‌های پایداری که باعث تمیز فرد از دیگران می‌شود و نحوه‌ای که تعاملات با دیگران و روابط اجتماعی در طول زندگی رشد و تغییر می‌کنند	<ul style="list-style-type: none"> • آیا نوزادان به مادران خود متفاوت از دیگران پاسخ می‌دهند؟ (۳) • بهترین روش برای تربیت کودکان چیست؟ (۸) • چه زمانی درک هویت جنسیتی رشد می‌کند؟ (۸) • چگونه می‌توانیم دوستی‌های بین نژادی را بهبود بخشیم؟ (۱۰) • دلایل خودکشی نوجوانان چیست؟ (۱۲) • چگونه یک شریک عشقی را انتخاب می‌کنیم؟ (۱۴) • آیا تأثیرات طلاق والدین تا سن پیری ادامه می‌یابد؟ (۱۸) • آیا مردم در اواخر بزرگسالی از دیگران دوری می‌کنند؟ (۱۸) • کدام هیجانانگیز در مواجهه با مرگ برانگیخته می‌شوند؟ (۱۹)

* اعداد داخل پرانتز نشان‌دهنده فصلی است که به سؤال پاسخ داده شده است.

کند (ایوانز، بوکسپیل و پینکاوا، ۲۰۰۸؛ لانسفورد، ۲۰۰۹؛ تین، ۲۰۱۴). این چهار حوزه موضوعی عمده -رشد جسمی، شناختی، اجتماعی و شخصیتی- در جدول ۱-۱ خلاصه شده‌اند.

دامنه سنی و تفاوت‌های فردی. علاوه بر تخصص در یک حوزه موضوعی خاص، متخصص رشد باید به بررسی یک دامنه سنی خاص بپردازد. گستره زندگی به‌طور معمول به دامنه‌های سنی گسترده‌ای تقسیم می‌شود: دوره پیش از تولد (از لقاح تا تولد)، نوزادی و نونهالی و نوپایی (تولد تا ۳ سالگی)، دوره پیش از دبستان (۳ تا ۶ سال)، کودکی میانه (۶ تا ۱۲ سال)، نوجوانی (۱۲ تا ۲۰ سال)، اوایل بزرگسالی (۲۰ تا ۴۰ سال)، اواسط بزرگسالی (۴۰ تا ۶۵ سال) و اواخر بزرگسالی (از ۶۵ سال تا مرگ).

یادآوری این نکته لازم است که این دوره‌های گسترده-که توسط متخصصان رشد در گستره زندگی تا حد زیادی پذیرفته شده‌اند- *سازه اجتماعی* هستند. سازه اجتماعی برداشتی مشترک از واقعیت است که به‌صورت گسترده‌ای مورد پذیرش قرار گرفته است ولی تابعی از جامعه و فرهنگ در یک زمان مشخص است. به همین خاطر، دامنه سنی هر دوره- و حتی خود دوره‌ها- از بسیاری جهات اختیاری و اغلب وابسته به فرهنگ هستند. برای مثال، همان‌طور که در ادامه به آن خواهیم پرداخت، مفهوم کودکی به‌عنوان یک دوره مشخص، حتی در طول قرن هفدهم هم وجود نداشته است؛ در آن زمان کودکان به‌عنوان مینیاتور بزرگسالان نگریسته می‌شدند. علاوه بر این، درحالی که برخی از



این مراسم ازدواج دو کودک در هند، مثالی است از نحوه‌ای که عوامل محیطی می‌توانند نقش مهمی را در تعیین سن برای زمانی که باید رویداد مشخصی رخ دهد، ایفا کنند.

دوره‌ها مرز مشخصی دارند (نوزادی با تولد شروع می‌شود، دورهٔ پیش از دبستان با ورود به مدرسه پایان می‌یابد و نوجوانی با بلوغ جنسی شروع می‌شود) ولی برخی دیگر این‌گونه نیستند.

برای مثال، دورهٔ اوایل بزرگسالی را در نظر بگیرید که دست‌کم در فرهنگ غربی شروع آن ۲۰ سالگی در نظر گرفته می‌شود. با این حال، دلیل انتخاب این سن فقط به خاطر پایان دورهٔ نوجوانی است. در حقیقت، برای بسیاری از افراد، مانند آن‌هایی که در مقاطع تحصیلی بالاتر ثبت‌نام کردند، تغییر سن از ۱۹ تا ۲۰ اهمیت کمی دارد زیرا آن‌ها در میانهٔ سال‌های تحصیل در دانشگاه هستند. برای آن‌ها، تغییرات قابل توجه زمانی اتفاق می‌افتد که از دانشگاه فارغ‌التحصیل شده و وارد محیط کار می‌شوند که به‌طور معمول چنین چیزی در ۲۲ سالگی روی می‌دهد. علاوه بر این، در برخی از فرهنگ‌های غیرغربی، بزرگسالی ممکن است خیلی زودتر شروع شود، زمانی که فرصت‌های تحصیلی کودکان محدود می‌شوند و به‌طور تمام‌وقت شروع به کار می‌کنند.

درواقع، برخی از متخصصان رشد، دوره‌های رشدی جدیدی را پیشنهاد کرده‌اند. برای مثال، روان‌شناس جفری آرنست معتقد است که نوجوانی به «بزرگسالی در حال ظهور» ختم می‌شود. «بزرگسالی در حال ظهور» دوره‌ای است که در سال‌های آخر نوجوانی شروع می‌شود و تا دههٔ بیست زندگی ادامه می‌یابد. در طی «بزرگسالی در حال ظهور»، افراد دیگر نوجوان نیستند اما هنوز هم آمادهٔ پذیرش همهٔ مسئولیت‌های بزرگسالی نیستند. بلکه هنوز هویت‌های مختلف را امتحان می‌کنند و درگیر بررسی‌های پیرامون خود هستند (آرنست، ۲۰۱۰، دیوس، ۲۰۱۲؛ سامنر، بورو و هیل، ۲۰۱۵).

به‌طور خلاصه، تفاوت‌های فردی زیادی در زمان بندی رخدادهای زندگی افراد وجود دارد. بخش از آن مربوط به واقعیت‌های زیستی زندگی است: سرعت رشد افراد، متفاوت است و در زمان‌های متفاوتی به نماگرهای رشدی^۲ دست می‌یابند. با این حال، عوامل محیطی نقش مهمی در تعیین سنی که رویداد خاصی احتمالاً روی می‌دهد، دارند. برای مثال، بسته به کارکردهایی که ازدواج در یک فرهنگ خاص دارد، سن معمول ازدواج در حد خیلی زیادی از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر فرق می‌کند.

بنابراین، توجه به این نکته مهم است که وقتی متخصصان رشد دربارهٔ دامنهٔ سنی بحث می‌کنند، آن‌ها دربارهٔ میانگین سنی صحبت می‌کنند- زمانی که افراد به‌طور متوسط به نماگرهای رشدی مشخصی دست می‌یابند. برخی از افراد خیلی زود به نماگر رشدی دست می‌یابند، برخی دیرتر و بسیاری از افراد در همان حوالی زمان متوسط به آن دست می‌یابند. برخی از پراکندگی‌ها، زمانی مهم است که کودکان فاصلهٔ زیادی از میانگین داشته باشند. برای مثال، والدینی که فرزندشان خیلی دیرتر از سن متوسط شروع به حرف زدن کرده است، ممکن است تصمیم بگیرند که پسر یا دخترشان توسط یک متخصص گفتار ارزیابی شود.

رابطهٔ بین موضوعات و سنین. هر یک از حوزه‌های موضوعی گستردهٔ رشد در گسترهٔ زندگی - رشد جسمی، شناختی، اجتماعی و شخصیتی - در سرتاسر زندگی ما نقش ایفا می‌کنند. در نتیجه، برخی از متخصصان رشدی بر رشد جسمی در طول دورهٔ پیش از تولد تمرکز می‌کنند، درحالی‌که برخی دیگر، همین موضوع را در طول دورهٔ نوجوانی بررسی می‌کنند. برخی ممکن است متخصص رشد اجتماعی در طول سال‌های پیش‌دبستانی باشند، درحالی‌که برخی دیگر به بررسی روابط در اواخر بزرگسالی می‌پردازند. با این حال، برخی دیگر ممکن است رویکرد گسترده‌تری داشته باشند و رشد شناختی را در همهٔ دوره‌های زندگی بررسی کنند.

در این کتاب، ما رویکرد گسترده را برمی‌گزینیم و کار را به ترتیب از دورهٔ پیش از تولد تا اواخر بزرگسالی و مرگ ادامه می‌دهیم. درون هر دوره، نگاهی به حوزه‌های موضوعی مختلف جسمی، شناختی، اجتماعی و شخصیتی میاندازیم. علاوه بر این، همان‌طور که بعداً خواهیم گفت، اثر فرهنگ را بر رشد مدنظر قرار می‌دهیم.

1. emerging adulthood
2. developmental milestones

تأثیرات بر رشد

هدف ۳-۱. توصیف برخی از تأثیرات مهم بر رشد انسان.

باب که در سال ۱۹۴۷ به دنیا آمده است متعلق به دورهٔ ازدیاد نسل^۱ است؛ او کمی بعد از پایان جنگ جهانی دوم به دنیا آمد، زمانی که پس از بازگشت سربازان آمریکا از جنگ، افزایش چشمگیری در نرخ تولدها رخ داد. او در اوج جنبش حقوق شهروندی و در شروع اعتراضات علیه جنگ ویتنام، نوجوان بود. مادر وی، لیه، در ۱۹۲۲ به دنیا آمده است، او بخشی از نسلی است که سال‌های کودکی و نوجوانی‌شان در سایه رکود بزرگ طی شده است. پسر باب، جان، در سال ۱۹۷۵ به دنیا آمده است. وی اکنون پس از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه شغلی دست‌وپا کرده است و خانوادهٔ خودش را دارد، او عضوی از چیزی است که نسل X نامیده شده‌اند. خواهر کوچک‌تر جان، سارا که در سال ۱۹۸۲ به دنیا آمده است بخشی از نسل بعدی است که جامعه‌شناسان آن را نسل هزاره^۲ جدید می‌نامند.

تا حدودی این افراد محصول دورهٔ اجتماعی هستند که در آن زندگی می‌کنند. هر فردی متعلق به **کوهورت**

کوهورت (هم‌گروهی)

گروهی از افراد که تقریباً در زمان و مکان مشابهی به دنیا آمده‌اند. برخی از رویدادهای اجتماعی عمده مانند جنگ‌ها، رونق یا رکود اقتصادی، قحطی و بیماری‌های همه‌گیر (مانند بیماری که در نتیجهٔ ویروس ایدز است) اثرات مشابهی بر اعضای یک کوهورت خاص دارد (میشل، ۲۰۰۲؛ دیتمن، ۲۰۰۵؛ تونگ، جنتیل و کمپبل، ۲۰۱۵).

اثرات کوهورت مثالی از اثرات مرتبط با تاریخ^۳ است و نشان می‌دهد که اثرات زیستی و محیطی با یک زمان تاریخی خاص پیوند دارند. برای مثال، افرادی که در جریان حملهٔ تروریستی به مرکز تجارت جهانی در ۱۱ سپتامبر در نیویورک زندگی می‌کردند به خاطر حمله، چالش‌های زیستی و محیطی مشترکی را تجربه کردند (بونانو و همکاران، ۲۰۰۶؛ لوقارن، جانکا و ویدیگر، ۲۰۰۷؛ پارک، رایلی و اسنایدر، ۲۰۱۲).

در مقابل، اثرات مرتبط با سن^۴، اثرات زیستی و محیطی هستند که برای یک گروه سنی خاص، صرف‌نظر از زمان و مکانی که بزرگ شدند، مشابه‌اند. برای مثال، بلوغ و یائسگی، رویدادهای همگانی هستند که در همهٔ جوامع به نسبت در زمان مشابهی رخ می‌دهند. همین‌طور، رویدادهای اجتماعی فرهنگی مانند ورود به آموزش رسمی را می‌توان اثر مرتبط با سن در نظر گرفت زیرا در اغلب فرهنگ‌ها در سن ۶ سالگی اتفاق می‌افتد.

از دید یک مربی

چگونه عضویت یک دانش‌آموز در کوهورت (هم‌گروهی)، بر آمادگی وی برای مدرسه اثر می‌گذارد؟ برای مثال، مزایا و معایب ناشی از کوهورت (هم‌گروهی) که به صورت روزمره از اینترنت استفاده کردند، در مقایسه با کوهورت قبلی که با اینترنت روبه‌رو نشدند، چیست؟

رشد، تحت تأثیر اثرات اجتماعی فرهنگی^۵ نیز قرار می‌گیرد، عوامل اجتماعی و فرهنگی که در زمان خاصی برای افراد مشخصی رخ می‌دهند، به متغیرهایی مانند قومیت، طبقهٔ اجتماعی و عضویت در خرده‌فرهنگ بستگی دارند. برای مثال، اثرات اجتماعی فرهنگی برای کودکان سفیدپوست و ثروتمند بسیار متفاوت با کودکانی است که عضوی از یک گروه اقلیت هستند یا در فقر زندگی می‌کنند (زُر و همکاران، ۲۰۰۳).

در نهایت، رخدادهای غیرمعمول زندگی^۶، اتفاقاتی خاص و غیرمعمول هستند که در زمانی از زندگی فرد اتفاق می‌افتند درحالی‌که چنین اتفاقی برای اکثر افراد رخ نمی‌دهند. برای مثال، کودک شش‌ساله‌ای که والدینش در یک

1. baby boomer

3. cohort

5. age-graded influences

7. non-normative life events

2. Millennial Generation

4. history-graded influences

6. sociocultural-graded influences

تنوع رشدی و زندگی شما

نحوه‌ای که فرهنگ، قومیت و نژاد بر رشد اثر می‌گذارند

رسمی نژاد به عوامل زیستی اشاره دارد ولی به‌طور ذاتی معانی بیشتری دارد-که بسیاری از آن‌ها نامناسب هستند-از رنگ پوست گرفته تا مذهب تا فرهنگ. علاوه بر این، مفهوم نژاد بسیار مبهم است؛ بسته به اینکه چگونه تعریف شود، ۳ تا ۳۰۰ نژاد وجود دارد و هیچ نژادی از نظر ژنتیکی، متمایز نیست. این واقعیت که ۹۹/۹ درصد آرایش ژنتیکی در همه انسان‌ها یکسان است، باعث می‌شود مسئله نژاد به‌نسبت بی‌اهمیت شود (بامشاد و آلسون، ۲۰۰۳؛ هلمز، جرنیگان و ماچر، ۲۰۰۵؛ اسمدلی و اسمدلی، ۲۰۰۵). علاوه بر این، بر سر اینکه کدام اسامی بهتر تفاوت‌های نژادی و گروه‌های قومی را منعکس می‌کند، توافق کمی وجود دارد. آیا اصطلاح *آفریقایی آمریکایی*-که دلالت‌های جغرافیایی و فرهنگی دارد- بهتر از *سیاهپوست* است که در درجه اول بر رنگ پوست تمرکز دارد؟ آیا اصطلاح *بومیان آمریکایی* بر سرخپوست ارجح است؟ آیا *اسپانیایی‌تبار* مناسب‌تر از *لاتینی* است؟ و پژوهشگران چگونه می‌توانند افرادی را که زمینه‌های چند قومیتی دارند دسته‌بندی کنند؟ انتخاب طبقه، کاربردهای مهمی برای اعتبار و سودمندی پژوهش دارد. انتخاب [طبقه] حتی کاربردهای سیاسی دارد. برای مثال، تصمیم‌گیری اولیه درباره اینکه آیا مردم مجاز هستند در برگرهای دولتی ایالات‌متحده و در سرشماری دولت آمریکا خودشان را به‌عنوان «چند قومیتی» معرفی کنند، بسیار بحث‌برانگیز بود (پرلمان و واترز، ۲۰۰۲).

بنابراین، به‌منظور شناخت کامل رشد، باید مسائل پیچیده مرتبط با تنوع انسانی را در نظر بگیریم. پژوهشگران رشد، تنها با بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌هایی که میان قومیت‌ها، فرهنگ‌ها و گروه‌های نژادی مختلف وجود دارند، می‌توانند بین اصول رشدی که جهان‌شمول هستند و اصولی که وابسته به فرهنگ هستند، تمیز قائل شوند. به همین خاطر، در سال‌های آینده، این احتمال وجود دارد که رشد در گستره زندگی از رشته‌ای که فقط بر [بررسی] رشد در آمریکای شمالی و اروپا متمرکز است به سمتی برود که رشد در سراسر دنیا را شامل شود (فوورز و داویدوف، ۲۰۰۶؛ ماتسوماتو و یو، ۲۰۰۶؛ کلپ و همکاران، ۲۰۰۹).

مداران میامی‌ای در آمریکای مرکزی مطمئن هستند که تماس مداوم بین آن‌ها و نوزادشان برای فرزندپروری خوب ضروری است و اگر تماس بدنی امکان‌پذیر نباشد به لحاظ جسمی پریشان می‌شوند. آن‌ها وقتی می‌بینند که یک مادر آمریکای شمالی نوزادش را روی زمین می‌خواباند، شوکه می‌شوند و گریه بچه را به فرزندپروری ضعیف [مادران] آمریکای شمالی نسبت می‌دهند (مورلی و همکاران، ۱۹۹۲).

از دو دیدگاه فرزندپروری که در پاراگراف بالا مطرح شدند، باید چه نتیجه‌ای بگیریم؟ آیا یکی درست و دیگری غلط است؟ احتمالاً خیر، به‌شرط اینکه بافت فرهنگی را که مادر در آن زندگی می‌کند، در نظر بگیریم. فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌های متفاوت نظر خودشان را درباره فرزندپروری مناسب و نامناسب دارند، زیرا آن‌ها اهداف رشدی متفاوتی برای فرزندانشان دارند (هوئیجبرگت و همکاران، ۲۰۰۹؛ چن، چن و ژنگ، ۲۰۱۲؛ اچپولت و همکاران، ۲۰۱۴).

مشخص شده است که به‌منظور درک رشد، متخصصان رشد باید عوامل فرهنگی فراگیر مانند گرایش به فردگرایی یا جمع‌گرایی را در نظر بگیرند. همچنین اگر این متخصصان می‌خواهند نحوه‌ای را که افراد در گستره زندگی تغییر و رشد می‌کنند بفهمند، باید تفاوت‌های ظریف قومی، نژادی، اجتماعی اقتصادی و جنسیتی را در نظر بگیرند. اگر متخصصان رشد موفق به این کار شوند، نه‌تنها به درک بهتری از رشد انسان نائل می‌آیند بلکه ممکن است بتوانند برنامه‌های دقیق‌تری برای بهبود وضعیت اجتماعی بشر به اجرا درآورند.

مشکلاتی که در یافتن لغات مناسب وجود دارد مانع از تلاش‌ها برای درک چگونگی اثرگذاری تنوع بر رشد شده است. برای مثال، پژوهشگران -همچنین عامه مردم- گاهی از عباراتی مانند *نژاد* و *گروه قومی* به شیوه‌ای نامناسب استفاده می‌کنند. نژاد یک مفهوم زیستی است که باید برای اشاره به طبقات بر مبنای ویژگی‌های بدنی و ساختاری گونه‌ها استفاده شود. در مقابل، *گروه قومی* و *قومیت* عبارتهای گسترده‌تری هستند که به زمینه‌های فرهنگی، ملیت، نژاد و زبان اشاره دارند. به‌طور خاص، مفهوم نژاد مشکل‌ساز است. اگرچه به‌طور

تصادف رانندگی می‌میرند، یک رخداد غیرمعمول زندگی را تجربه کرده است.

پرسش‌ها و مسائل اصلی: تعیین نقش طبیعت و تربیت در رشد در گستره زندگی

هدف ۴-۱. خلاصه‌سازی چهار مسئله اساسی در زمینه رشد در گستره زندگی.

رشد در گستره زندگی یک سفر چند دهه‌ای است. بالاینکه برخی از نشانه‌های مشترک در این مسیر وجود دارد-مانند یادگیری حرف زدن، رفتن به مدرسه و یافتن شغل- ولی همان‌طور که قبلاً اشاره شد، راه‌های منحصره‌فرد زیادی با پیچ‌وخم‌هایی در طول این مسیر وجود دارد که بر این سفر اثر می‌گذارند. برای متخصصان رشد که در این حوزه کار می‌کنند، دامنه و تنوع رشد در گستره زندگی باعث مسائل و

پرسش‌هایی شده است. بهترین شیوهٔ اندیشیدن به تغییرات زیادی که در شخص از قبل از تولد تا مرگ به وجود می‌آید، چیست؟ سن تقویمی چقدر مهم است؟ آیا زمان‌بندی مشخصی برای رشد داریم؟ چگونه می‌توان مسیرها و الگوهای رایج را شناخت؟

از زمانی که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، رشد در گسترهٔ زندگی به‌عنوان یک رشتهٔ مجزا درآمد، این پرسش‌ها مطرح بوده است، باین‌حال، ریشه‌های اشتیاق به شناخت ماهیت و دوره‌های رشد انسان، به مصر و یونان باستان برمی‌گردد. در ادامه، برخی از این مسائل را بررسی می‌کنیم و آن‌ها را در جدول ۱-۲ خلاصه کردیم.

تغییرات پیوسته در برابر تغییرات گسسته. یکی از نخستین سؤالات چالش‌انگیز برای متخصصان رشد این است که آیا رشد پیوسته است یا گسسته. در **تغییرات پیوسته**^۱، رشد تدریجی است و دستاوردهای یک مرحله بر پایهٔ مراحل قبلی بنا می‌شوند. تغییرات پیوسته ماهیتی کمی دارند. فرایندهای رشدی زیربنایی که باعث تغییر می‌شوند، در جریان گسترهٔ زندگی یکسان هستند؛ بنابراین، تغییرات پیوسته، تغییرات در میزان هستند نه در نوع. برای مثال، تغییراتی که قبل از دورهٔ بزرگسالی در قد ایجاد می‌شود، پیوسته است. همچنین، همان‌طور که در ادامه فصل خواهید دید، برخی از نظریه‌پردازان معتقدند تغییرات در ظرفیت‌های فکری افراد پیوسته هستند، آن‌ها معتقدند به‌جای اینکه ظرفیت‌های پردازش شناختی کاملاً جدیدی ایجاد شود، بهبودهای کمی تدریجی در ظرفیت‌های پردازش شناختی ایجاد می‌شود.

در مقابل، هنگامی می‌توان رشد را به‌عنوان **تغییرات گسسته**^۲ در نظر گرفت که در مراحل متمایزی صورت گیرد. هر مرحله یا تغییر به رفتارهایی می‌انجامد که تصور می‌شود تفاوت کیفی با رفتارهای مراحل قبل تر دارد. دوباره به مثالی در زمینهٔ رشد شناختی توجه کنید. در ادامه فصل خواهیم دید که برخی از متخصصان رشد شناختی معتقدند همان‌طور که ما رشد می‌کنیم، فکر ما به شیوه‌ای اساسی تغییر می‌کند و چنین رشدی تنها تغییرات کمی^۳ نیست بلکه تغییرات کیفی^۴ است.

اغلب متخصصان رشد معتقدند که انتخاب هر یک از جنبه‌های مسئلهٔ پیوسته یا گسسته بودن رشد، نامناسب است. درحالی‌که بسیاری از تغییرات رشدی پیوسته هستند ولی برخی دیگر به‌وضوح گسسته‌اند.

دوره‌های حیاتی و حساس: بررسی اثر رویدادهای محیطی. اگر زنی در بیست هفتهٔ اول بارداری دچار سرخک^۵ شود، جنین وی دچار پیامدهای مخربی از قبیل نابینایی، ناشنوایی و نقایص قلبی خواهد شد. باین‌حال، اگر او در هفتهٔ سی‌ام بارداری مبتلا به همان سرخک شود، جنین وی آسیبی نمی‌بیند. تفاوت نتایج بیماری در دو دورهٔ زمانی، نشان‌دهندهٔ مفهوم **دوره‌های حیاتی**^۶ است. دورهٔ حیاتی، زمان خاصی در طول رشد است که رویداد معینی، بیشترین پیامد را دارد. دوره‌های حیاتی زمانی رخ می‌دهند که وجود نوع معینی از محرک‌های محیطی برای رشد طبیعی، ضروری است (پولینگ، ۲۰۰۶).

اگرچه متخصصان پیشگام رشد در گسترهٔ زندگی تأکید زیادی بر اهمیت دوره‌های حیاتی داشتند ولی اندیشه‌های اخیر نشان می‌دهد که در بسیاری از حوزه‌ها، به‌خصوص در حوزهٔ شخصیت و رشد اجتماعی، افراد از آنچه اول تصور می‌شد، انعطاف‌پذیرتر هستند. برای مثال، شواهد زیادی نشان می‌دهند فقدان نوع معینی از تجربه‌های اجتماعی اولیه، منجر به آسیب پایدار در افراد نمی‌شود و تجربه‌های بعدی می‌توانند برای آن‌ها سودمند بوده و به آن‌ها کمک کنند که بر نقایص اولیه غلبه کنند.

تغییرات پیوسته

رشد تدریجی است و دستاوردهای یک مرحله بر پایهٔ مراحل قبلی بنا می‌شوند.

تغییرات گسسته

رشد در مراحل متمایزی صورت می‌گیرد. هر مرحله یا تغییر به رفتارهایی می‌انجامد که تصور می‌شود تفاوت کیفی با رفتارهای مراحل قبل تر دارد.

دورهٔ حیاتی

زمان خاصی در طول رشد است که رویداد معینی، بیشترین پیامد را دارد و وجود نوع معینی از محرک‌های محیطی برای رشد طبیعی، ضروری است.

1. continuous change
3. quantitative change
5. rubella

2. discontinuous change
4. qualitative change
6. critical periods

جدول ۱-۲. مسائل اصلی رشد در گستره زندگی

تغییر پیوسته	تغییر گسسته
<ul style="list-style-type: none"> تغییر تدریجی است. دستاوردهای یک مرحله بر پایهٔ مراحل قبلی است. فرایندهای رشدی زیربنایی که باعث تغییر می‌شوند، در جریان گسترهٔ زندگی یکسان هستند. 	<ul style="list-style-type: none"> تغییرات در مراحل یا گام‌های متمایزی رخ می‌دهند. رفتارها و فرایندها مرحلهٔ جدید به لحاظ کیفی با رفتارها و فرایندها مراحل قبلی متفاوت هستند.
دوره‌های حیاتی	دوره‌های حساس
<ul style="list-style-type: none"> یک تحریک محیطی مشخص، برای رشد طبیعی ضروری است. متخصصان پیشگام بر این دیدگاه تأکید داشتند. 	<ul style="list-style-type: none"> افراد نسبت به برخی از محرک‌های محیطی مستعد هستند ولی پیامدهای نبود محرک قابل جبران است. این دیدگاه رایج در رشد در گسترهٔ زندگی است.
رویکرد گسترهٔ زندگی	تمرکز بر دوره‌های خاص
<ul style="list-style-type: none"> نظریه‌های اخیر بسته به دوره‌های مختلف، بر رشد و تغییر در همهٔ زندگی تأکید دارند. 	<ul style="list-style-type: none"> برخی از متخصصان پیشگام، بر دورهٔ کودکی و نوجوانی به‌عنوان مهم‌ترین دوره‌های رشد تأکید داشتند.
طبیعت (عوامل ژنتیکی)	تربیت (عوامل محیطی)
<ul style="list-style-type: none"> تأکید بر کشف صفات و توانایی‌های ژنتیکی اثری است. 	<ul style="list-style-type: none"> تأکید بر تأثیرات محیطی است که بر رشد شخص اثر می‌گذارد.

دورهٔ حساس

به همین خاطر، اکنون متخصصان رشد به‌جای دوره‌های حیاتی، بیشتر از دوره‌های حساس^۱ استفاده می‌کنند. در دورهٔ حساس، ارگانیسم به‌طور ویژه‌ای در برابر نوع مشخصی از محرک‌های محیطش حساس است. یک دورهٔ حساس، نشان‌دهندهٔ دورهٔ بهینه برای بروز ظرفیت‌های خاصی ویژه‌ای در برابر نوع مشخصی از محرک‌های محیطش حساس است و کودک آن به‌طور ویژه در برابر تأثیرات محیطی حساس هستند. درک تفاوت بین دوره‌های حیاتی و حساس مهم است. در دوره‌های حیاتی، فرض می‌شود که غیاب این محرک‌ها همیشه منجر به نبود نوع معینی از محرک‌های محیطی، احتمالاً منجر به نتایج دائمی و بازگشت‌ناپذیر برای فرد در نتایج بازگشت‌ناپذیر نمی‌شود. حال رشد می‌شود. در مقابل، اگرچه نبود محرک‌های محیطی معین در طول دورهٔ حساس ممکن است رشد را به تأخیر بیندازد ولی این احتمال وجود دارد که تجربه‌های بعدی، منجر به رفع نقایص قبلی شوند؛ به‌عبارت دیگر، مفهوم دورهٔ حساس، به انعطاف‌پذیری رشد انسان‌ها اشاره دارد (آرمسترانگ و همکاران، ۲۰۰۶؛ هوکس و چن، ۲۰۰۸؛ هارتلی و لی، ۲۰۱۵).

رویکردهای گسترهٔ زندگی در برابر تمرکز بر دوره‌های مشخص. متخصصان رشد باید توجه‌شان را

معطوف چه بخشی از گسترهٔ زندگی بکنند؟ پاسخ متخصصان پیشگام، کودکی و نوجوانی است. آن‌ها بیشترین توجه را به این دو دوره داشتند و سایر بخش‌های گسترهٔ زندگی را نادیده گرفتند.

امروزه داستان فرق می‌کند. متخصصان رشد معتقدند که به دلایل مختلف، همهٔ گسترهٔ زندگی مهم است. الآن مشخص شده است که رشد و تغییرات در همهٔ بخش‌های زندگی ادامه می‌یابد- این موضوع را در سرتاسر کتاب بحث خواهیم کرد.

علاوه بر این، بخشی مهمی از محیط هر فردی، محیط اجتماعی یا به عبارتی، حضور سایر افراد در اطراف او است. برای درک کامل اثرات اجتماعی بر افراد یک سن معین، باید افرادی را که در مقیاس بزرگ مسبب این اثرات هستند بشناسیم. برای مثال، برای درک رشد نوزادان، باید اثرات سن والدینش را بر محیط اجتماعی وی بشناسیم. یک مادر پانزده‌ساله که برای نخستین بار صاحب فرزند شده است، اثرات والدینی بسیار متفاوتی نسبت به یک مادر سی‌وهفت‌ساله باتجربه، خواهد داشت. در نتیجه، رشد نوزاد بخشی از پیامدهای ناشی از رشد فرد بزرگسال است.

علاوه بر این، همان‌طور که متخصص رشد پائول بالتز خاطر نشان کرده است، رشد در گستره زندگی هم شامل افزایش‌ها و هم کاهش‌ها می‌شود. با گذر سن، ظرفیت‌های معینی پیچیده‌تر و پیشرفته‌تر می‌شوند درحالی‌که ظرفیت‌های دیگری کاهش می‌یابند. برای مثال، خزانه لغات در سرتاسر دوره کودکی افزایش می‌یابد و رشد آن در بیشتر دوره بزرگسالی نیز ادامه می‌یابد. درعین حال، توانایی‌های جسمی معینی مانند زمان واکنش تا اوایل و اواسط بزرگسالی بهبود می‌یابند و از آن زمان به بعد شروع به کاهش می‌کنند (بالتز، استائودینگر و لیندینگر، ۱۹۹۹؛ بالتز، ۲۰۰۳).

همچنین، افراد نحوه سرمایه‌گذاری منابع خود (مانند انگیزه، انرژی و وقت) را در نقاط مختلف گستره زندگی، تغییر می‌دهند. در اوایل زندگی، بیش از یک منبع فردی به فعالیت‌هایی دخیل در رشد مانند مطالعه و یادگیری مهارت‌های جدید اختصاص داده می‌شود. همان‌طور که فرد پیرتر می‌شود، بیشتر منابع، صرف مواجهه با از دست دادن افراد می‌شوند (استائودینگر و لیپولد، ۲۰۰۳).

آشکارسازی اثرات طبیعت و تربیت بر رشد. یکی از سوالات بی‌پایان رشدی این است که چقدر از رفتار افراد در نتیجه ذات تعیین شده ژنتیکی آن‌هاست و چقدر در نتیجه تربیت یا اثرات محیط فیزیکی و اجتماعی است که کودک در آن بزرگ می‌شود. این مسئله که ریشه‌های فلسفی و تاریخی عمیقی دارد، بر اغلب کارهای رشد در گستره زندگی، تسلط داشته است (وکسلر، ۲۰۰۶).

در اینجا منظور از طبیعت^۱، صفات، توانایی‌ها و ظرفیت‌هایی است که فرد از والدینش به ارث می‌برد. طبیعت دربرگیرنده هر عاملی است که به‌واسطه آشکار شدن اطلاعات ژنتیکی، ایجاد می‌شود- فرایندی که **رشد**^۲ نام دارد. این تأثیرات ژنتیکی و ارثی از زمان لقاح که ما ارگانیسمی تک‌سلولی هستیم تا زمانی که انسانی کامل با میلیاردها سلول می‌شویم، نقش دارند. طبیعت بر اینکه رنگ چشم ما آبی یا قهوه‌ای است، اینکه تا آخر عمر مو داشته باشیم یا درنهایت کچل شویم و اینکه چقدر در ورزش خوب هستیم، اثر می‌گذارد. طبیعت است که به مغز ما اجازه می‌دهد به شیوه‌ای رشد کند که بتوانیم لغات این صفحه را بخوانیم.

رشد

آشکار شدن اطلاعات ژنتیکی مطابق برنامه از قبل تعیین شده

در مقابل، تربیت^۳ به اثرات محیط اشاره دارد که رفتار را شکل می‌دهند. برخی از تأثیرات محیطی، زیست‌شناختی هستند مانند اثر استفاده مادر باردار از کوکائین بر جنین یا اثر مقدار و نوع غذاهای در دسترس کودکان. سایر تأثیرات محیطی بیشتر اجتماعی هستند مانند شیوه‌هایی که والدین فرزندانشان را تربیت می‌کنند و اثرات فشار همسالان بر نوجوان. درنهایت، برخی از تأثیرات نتیجه عوامل گسترده و مرتبط با اجتماع هستند مانند شرایط اجتماعی اقتصادی که افراد در آن قرار دارند.

اقدام نهایی طبیعت و تربیت. اگر صفات و رفتار ما فقط توسط طبیعت یا تربیت تعیین می‌شد، بحث کمی در این زمینه وجود داشت. با این حال، برای اغلب رفتارهای حیاتی، این بحث همچنان وجود دارد. برای مثال، یکی از بحث‌برانگیزترین این حوزه‌ها، هوش^۴ است. همان‌طور که در فصل ۹ با جزئیات بررسی می‌کنیم، این سؤال که آیا هوش در درجه اول ناشی از وراثت و عوامل ژنتیکی است-طبیعت- یا توسط عوامل محیطی-تربیت- شکل می‌گیرد، باعث بحث‌های جنجالی و اغلب تلخی شده است که [این بحث‌ها] از حوزه علمی به حوزه سیاست و سیاست‌های اجتماعی نیز سرایت کرده است.

بررسی کاربردهای مسئله: اگر هوش فرد در درجه اول به‌وسیله وراثت تعیین شود، در نتیجه، در همان بدو تولد میزان آن ثابت است و تلاش‌های بعدی برای بهبود عملکرد هوشی به شکست منتهی می‌شود. در مقابل، اگر هوش در درجه نخست ناشی از عوامل محیطی باشد، مانند مقدار و کیفیت آموزش و تحریکی که هر فرد با آن روبه‌رو

1. nature
2. maturation
3. nurture
4. intelligence

می‌شود، پس باید انتظار داشته باشیم که بهبود در شرایط اجتماعی، منجر به افزایش هوش شود. میزانی که سیاست اجتماعی تحت تأثیر گمانه‌زنی‌ها درباره منشأ هوش قرار می‌گیرد، اهمیت مسئله مربوط به سؤال طبیعت-تربیت را نشان می‌دهد. باینکه ما این سؤال را در این کتاب برای چندین حوزه موضوعی دیگر مطرح می‌کنیم ولی باید به خاطر داشته باشید که متخصصان رشد این تصور را که رفتار نتیجه فقط طبیعت یا فقط تربیت است، رد می‌کنند. در عوض، این سؤال که هرکدام چقدر اثرگذارند، همچنان بحث داغی است. علاوه بر این، تعامل عوامل ژنتیکی و محیطی پیچیده است زیرا صفات ژنتیکی معین، نه تنها به صورت مستقیم بر رفتار کودک اثر می‌گذارند بلکه به صورت غیرمستقیم باعث شکل‌دهی محیط کودک نیز می‌شوند. برای مثال، کودکی که بدخلق است و زیاد گریه می‌کند-صفتی که ناشی از عوامل ژنتیکی است او به آن خلق‌وخوی دشوار گفته می‌شود- می‌تواند بر محیطش اثر بگذارد، درواقع، باعث می‌شود والدینش به گریه‌های مداوم او زیاد واکنش نشان دهند و سعی کنند هر وقت گریه می‌کند وی را آرام سازند. واکنش‌پذیری والدین به رفتار ناشی از ژنتیک کودک، منجر به تأثیر محیط بر پیامدهای رشدی وی می‌شود (بردلی و کوروین، ۲۰۰۸؛ استرایت، گالاگر و کلی، ۲۰۰۸؛ بارنز و بوتول، ۲۰۱۲).

همچنین، اگرچه ذخیره ژنتیکی، ما را به سمت رفتارهای خاصی هدایت می‌کند، ولی این رفتارها به طور قطع درون یک محیط مناسب رخ می‌دهند. افراد با ژنتیک مشابه (مانند دوقلوهای همسان) ممکن است به شیوه‌های کاملاً متفاوتی رفتار کنند و افراد با ژنتیک غیرمشابه می‌توانند در برخی از حوزه‌های معین، کاملاً مشابه هم رفتار کنند (کول، بیرر و لرنر، ۲۰۰۴؛ کاتو و پدرسن، ۲۰۰۵؛ سگال و همکاران، ۲۰۱۵).

به طور خلاصه، این سؤال که چه مقدار از یک رفتار معین در نتیجه طبیعت است و چقدر در نتیجه تربیت، چالش‌انگیز است. درنهایت، ما باید دو سوی مسئله طبیعت-تربیت را دو سر متضاد یک پیوستار در نظر بگیریم که رفتارهای مشخصی گاهی بین این دو سر قرار می‌گیرند. درباره سایر چیزهایی که بر سر آن‌ها بحث داریم نیز می‌توانیم چنین چیزی را بگوییم. برای مثال، پیوستگی یا گسستگی رشد یک حالت این یا آن نیست؛ برخی از شکل‌های رشد به انتهای سر پیوسته پیوستار نزدیک هستند و در عوض برخی دیگر به سر گسسته پیوستار نزدیک‌ترند. به طور خلاصه، حالات اندکی در رشد وجود دارند که به طور مطلق یا این یا آن هستند (راتر، ۲۰۰۶؛ دیتز-دکارد و کاهیل، ۲۰۰۷).

مرور بخش ۱-۱

درواقع، هم فرهنگ غالب و هم جنبه‌هایی از فرهنگ مانند نژاد، قومیت و وضعیت اقتصادی اجتماعی در رشد نقش دارند.

■ چهار مسئله اصلی رشد در گستره زندگی عبارت‌اند از پیوستگی در برابر گسستگی در رشد، اهمیت دوره‌های حیاتی، تمرکز بر دوره‌های معین یا بر کل گستره زندگی و جدال طبیعت-تربیت.

موضوعی برای بحث

کاربست رشد در گستره زندگی: مثال‌هایی از شیوه‌های که فرهنگ (چه فرهنگ غالب چه جنبه‌هایی از فرهنگ) بر رشد انسان اثر می‌گذارد، ارائه کنید.

رشد در گستره زندگی، رویکردی علمی برای شناخت رشد و تغییرات انسان در سرتاسر زندگی است و شامل رشد جسمی، شناختی، اجتماعی و شخصیتی می‌شود.

■ متخصصان رشد بر رشد جسمی، رشد شناختی و رشد شخصیتی و اجتماعی تمرکز می‌کنند. متخصصان رشد علاوه بر تخصص یافتن در یک حوزه موضوعی خاص، به طور معمول یک دامنه سنی معین را بررسی می‌کنند.

■ عضویت در یک کوهورت (هم‌گروهی)، بر مبنای سن و مکان تولد، افراد را تحت تأثیر رویدادهای تاریخی قرار می‌دهد (اثرات مبتنی بر تاریخ). همچنین افراد تحت تأثیرات مبتنی بر سن، تأثیرات اجتماعی- فرهنگی و رویدادهای غیرمعمول زندگی نیز هستند. فرهنگ و نژاد نیز نقش مهمی در رشد ایفا می‌کنند.

دیدگاه‌های نظری درباره رشد در گستره زندگی

در اروپا تا قرن هفدهم هیچ درکی از «دوره کودکی» وجود نداشت و کودکان مینیاتور بزرگسالان پنداشته می‌شدند. تصور می‌شد کودکان همان خواسته‌ها و نیازهای بزرگسالان را دارند و مزیتی بیشتر از بزرگسالان ندارند. با آن‌ها مانند بزرگسالان رفتار می‌شد و ساعات کاریشان مشابه بزرگسالان بود. کودکان برای جرم‌هایی که مرتکب می‌شدند همان مجازات بزرگسالان را دریافت می‌کردند. اگر دزدی می‌کردند، به دار آویخته می‌شدند؛ اگر رفتارشان خوب بود می‌توانستند به موفقیت دست یابند، دستکم به اندازه جایگاهشان در زندگی یا به نسبتی که طبقه اجتماعی آن‌ها اجازه می‌داد.

چنین دیدگاه اشتباهی به دوره کودکی اکنون نیز دیده می‌شود اما در آن زمان این برداشت نادرست در سرتاسر گستره زندگی وجود داشت. از این دیدگاه، تفاوتی در نتیجه سن وجود نداشت مگر در اندازه؛ تصور می‌شد افراد در سرتاسر گستره زندگی‌شان، دست کم در سطح روان‌شناختی، واقعاً تغییر نمی‌کنند (ارایز، ۱۹۶۲؛ آوکولا، ۲۰۰۳؛ هاتون، ۲۰۰۴؛ وینز، ۲۰۰۶).

گرچه با بررسی قرن‌های گذشته، ساده است که دیدگاه قرون وسطایی نسبت به دوره کودکی را رد کنیم ولی نحوه شکل‌دهی به دیدگاه معاصر، روشن نیست. آیا دیدگاه ما نسبت به رشد، بر جنبه‌های زیستی تغییرات، رشد و ثبات در طی گستره زندگی تمرکز دارد؟ بر جنبه‌های شناختی یا اجتماعی متمرکز است؟ یا بر عوامل دیگری تمرکز دارد؟ افرادی که رشد در گستره زندگی را بررسی می‌کنند، به شیوه‌های متفاوتی این کار را انجام می‌دهند. هر دیدگاه کلی، شامل یک یا چند نظریه می‌شود؛ نظریه، توضیحاتی سازمان‌یافته و پیش‌بینی‌هایی گسترده در مورد پدیده مورد علاقه است.

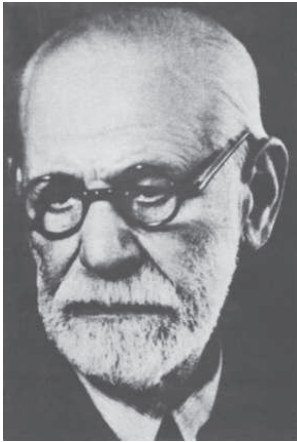
همه ما بر اساس تجربه‌های شخصی، برداشت‌های عامیانه و مقالات موجود در مجله‌ها و روزنامه‌ها، نظریه‌هایی درباره رشد طرح می‌کنیم. با این حال، نظریه‌های رشد در گستره زندگی، متفاوت هستند. درحالی‌که نظریه‌های شخصی ما بر مبنای مشاهدات تأیید نشده، به‌طور تصادفی ایجاد شده‌اند، ولی نظریه‌های متخصصان رشد، رسمی‌تر بوده و بر مبنای یکپارچه‌سازی منظم یافته‌ها و نظریه‌پردازی‌های پیشین است. این نظریه‌ها، به متخصصان رشد امکان می‌دهند که مشاهدات قبلی را خلاصه‌سازی و منظم سازند و به آن‌ها اجازه می‌دهند که از مشاهدات فعلی فراتر رفته و استنباط‌هایی بکنند که ممکن است فوراً قابل مشاهده نباشند. علاوه بر این، این نظریه‌ها در قالب



نظریه چارچوبی برای درک رابطه بین دیدگاه جامعه از دوره کودکی و خواسته‌های متناسب از کودکان، در طی قرن‌ها تغییر کرده است. این کودکان در اوایل دهه ۱۹۰۰ به‌صورت تمام‌وقت در معدن کار می‌کردند.

پژوهش، تحت بررسی‌های دقیقی قرار می‌گیرند. در مقابل، نظریه‌های شخصی در مورد رشد، مشمول چنین بررسی‌هایی نمی‌شوند و ممکن است هرگز مورد سؤال قرار نگیرند (توماس، ۲۰۰۱).

شش دیدگاه نظری عمده در زمینه رشد در گستره زندگی را بررسی خواهیم کرد که عبارت‌اند از: دیدگاه‌های روان‌پویایی، رفتاری، شناختی، انسان‌گرایی، بافتاری و تکاملی. هرکدام بر جنبه‌های متفاوتی از رشد تأکید دارند و متخصصان رشد را در جهات مشخصی هدایت می‌کنند. علاوه بر این، با توجه به رشد و پویایی رشته، هر دیدگاهی به تکامل و تغییر خود ادامه می‌دهد.



زیگموند فروید.

دیدگاه روان‌پویایی: تمرکز بر درون فرد

هدف ۵-۱. توصیف رشد در گستره زندگی از دیدگاه روان‌پویایی.

هنگامی که ماریسول شش‌ماهه بود، دچار یک تصادف خونین شد- یا والدینش چنین چیزی به او گفتند، زیرا او خاطرات آگاهانه‌ای از این حادثه ندارد. باین‌حال، اکنون که وی ۲۴ ساله است، مشکلاتی در زمینه حفظ روابط صمیمانه دارد و درمان‌گرسش به دنبال این است که آیا مشکلات فعلی وی ناشی از همان تصادف است.

یافتن چنین ارتباطی بعید به نظر می‌رسد اما طرفداران **رویکرد روان‌پویایی** چنین چیزی را غیرمحمول نمی‌دانند. طرفداران دیدگاه روان‌پویایی معتقدند که اکثر رفتارها توسط نیروهای درونی، خاطرات و تعارض‌هایی که فرد آگاهی یا کنترل کمی نسبت به آن‌ها دارد، ایجاد می‌شوند. نیروهای درونی که ممکن است از دوره کودکی نشئت گرفته باشند، به‌طور پیوسته در سرتاسر زندگی بر رفتار اثر می‌گذارند.

نظریه روان‌تحلیلی فروید. دیدگاه روان‌پویایی در حد زیادی به یک فرد و یک نظریه مربوط است: زیگموند فروید و نظریه روان‌تحلیلی‌اش. فروید که بین سال‌های ۱۸۵۶ تا ۱۹۳۹ زندگی می‌کرد، یک پزشک وینی بود که ایده‌های انقلابی‌اش در نهایت اثر عمیقی نه تنها بر رشته‌های روان‌شناسی و روان‌پزشکی بلکه به‌طور کلی بر اندیشه غربی داشت (ماسلینگ و بورناستین، ۱۹۹۶؛ گرینبرگ، ۲۰۱۲).

رویکرد روان‌پویایی

دیدگاه روان‌پویایی بیان می‌کند که رفتار توسط نیروهای درونی، خاطرات و تعارض‌هایی که فرد آگاهی یا کنترلی نسبت به آن‌ها ندارد، ایجاد می‌شود.

نظریه روان‌تحلیلی^۱ فروید بیان می‌کند که نیروهای ناهشیار، رفتار و شخصیت را تعیین می‌کنند. از نظر فروید ناهشیار بخشی از شخصیت است که فرد از آن آگاه نیست. ناهشیار حاوی خواست‌ها، امیال، مطالبه‌ها و نیازهایی اولیه است که به خاطر ماهیت ناخوشایندشان از آگاهی هشیار فرد پنهان هستند. فروید معتقد است که ناهشیار مسئول بخش بزرگی از رفتارهای روزمره ما است.

نظریه روان‌تحلیلی

نظریه فروید بیان می‌کند که نیروهای ناهشیار، رفتار و شخصیت را تعیین می‌کنند.

مطابق نظریه فروید، شخصیت هر فردی سه ساختار دارد: نهاد^۲ و فراخود^۳. نهاد بخش نارس، بی‌سازمان و ذاتی شخصیت است که در هنگام تولد وجود دارد. همچنین، جایگاه کشاننده‌های اولیه مرتبط با گرسنگی، رابطه جنسی، پرخاشگری و تکانه‌های غیرمنطقی است. نهاد مطابق اصل لذت^۵ عمل می‌کند و هدفش حداکثر رضایت و کاهش تنش است.

رشد روانی جنسی

مطابق نظر فروید کودکان از یکسری از مراحل می‌گذرند که در هر مرحله، لذت یا خشنودی [لیبیدو] بر کارکرد زیستی و بخشی معینی از بدن متمرکز است.

خود بخش منطقی و خردمند شخصیت است. خود به‌عنوان مانعی بین جهان واقعی خارج از ما و نهاد، عمل می‌کند. خود بر اساس اصل واقعیت^۶ عمل می‌کند که با توجه به آن، انرژی غربزی محدود می‌شود تا ایمنی فرد حفظ شده و به هماهنگی فرد با جامعه کمک شود.

فراخود که از نظر فروید نشان‌دهنده وجدان شخص است، بین درست و نادرست تمیز قائل می‌شود، همچنین، در حدود سن پنج یا شش‌سالگی رشد می‌کند و از والدین فرد، معلمان و سایر چهره‌های مهم آموخته می‌شود.

علاوه بر شرح بخش‌های مختلف شخصیت، فروید شیوه‌ای را که شخصیت در دوره کودکی رشد می‌کند، توضیح داده است. او معتقد است کودکان از یکسری از مراحل می‌گذرند که در هر مرحله، لذت یا خشنودی [لیبیدو] بر کارکرد زیستی و بخشی معینی از بدن متمرکز است و این‌گونه **رشد روانی جنسی^۷** رخ می‌دهد. همان‌طور که در جدول ۳-۱ نشان داده شده است، فروید معتقد است که لذت از دهان (مرحله دهانی^۸) به مقعد

1. psychoanalytic theory
3. ego
5. pleasure principle
7. psychosexual development

2. id
4. superego
6. reality principle
8. the oral stage

جدول ۳-۱. نظریه‌های فروید و اریکسون

سن تقریبی	مراحل رشد روانی جنسی فروید	ویژگی‌های اصلی مراحل فروید	مراحل رشد روانی اجتماعی اریکسون	پیامدهای مثبت و منفی مراحل اریکسون
تولد تا ۱۲-۱۸ ماهگی	دهانی	علاقه به لذت دهانی از طریق مکیدن، خوردن، بلعیدن، گاز گرفتن	اعتماد در برابر بی‌اعتمادی	مثبت: اعتماد به حمایت محیطی منفی: ترس و نگرانی نسبت به دیگران
۱۲-۱۸ ماهگی تا ۳ سالگی	مقعدی	لذت بردن از دفع و نگاه‌داری مدفوع؛ روبه‌رو شدن با کنترل‌های اجتماعی مرتبط با آموزش دستشویی رفتن.	استقلال در برابر شرم و تردید	مثبت: خودکفایی در صورتی که جستجو تشویق شود منفی: شک به خود، وابستگی
۳ تا ۵-۶ سالگی	آلتی	علاقه به اندام تناسلی؛ روبه‌رو شدن با عقده ادیپ که منجر به همانندسازی با والد هم‌جنس می‌شود.	ابتکار در برابر احساس گناه	مثبت: کشف راه‌هایی برای آغاز اقدامات منفی: احساس گناه نسبت به اقدامات و افکار
۵-۶ سالگی تا نوجوانی	نهفتگی	مسائلی جنسی به‌طور عمده بی‌اهمیت می‌شوند.	سازندگی در برابر احساس حقارت	مثبت: رشد حس شایستگی منفی: احساس حقارت، احساس عدم تسلط
نوجوانی تا بزرگسالی (فروید)، نوجوانی (اریکسون)	تناسلی	بیدار شدن مجدد علائق جنسی و ایجاد روابط جنسی پخته	هویت در برابر سردرگمی	مثبت: آگاهی از منحصربه‌فرد بودن خود، آگاهی از نقش خود منفی: ناتوانی در انتخاب نقش‌های مناسب در زندگی
اوایل بزرگسالی (اریکسون)			صمیمیت در برابر انزوا	مثبت: ایجاد روابط عشقی، جنسی و دوستی‌های صمیمی منفی: ترس از ارتباط با دیگران
اواسط بزرگسالی (اریکسون)			زاینده‌گی در برابر رکود	مثبت: احساس سهیم بودن در تداوم زندگی منفی: بی‌اهمیت بودن فعالیت‌های فردی
اواخر بزرگسالی (اریکسون)			انسجام خود در برابر ناامیدی	مثبت: احساس یکپارچگی نسبت به دستاوردهای زندگی منفی: تأسف نسبت به فرصت‌های از دست‌رفته زندگی

(مرحله مقعدی)^۱ و درنهایت به اندام تناسلی (مرحله آلتی^۲ و مرحله تناسلی^۳) تغییر مکان می‌دهد. با توجه به نظریه فروید، اگر کودک در یک مرحله خاص نتواند خودش را ارضاء کند یا برعکس اگر بیش‌ازاندازه ارضاء شود، در آن مرحله تثبیت می‌شود. تثبیت، بازگشت به مراحل قبل‌تر رشد است که به خاطر تعارض حل‌نشده ایجاد می‌شود. برای مثال، تثبیت در مرحله دهانی می‌تواند منجر به این شود که فرد بزرگسال به‌طور غیرمعمولی مجذوب فعالیت‌های دهانی شود-فعالیت‌های از قبیل خوردن، حرف زدن یا آدامس جویدن. همچنین، فروید معتقد بود که تثبیت [در مرحله دهانی] از طریق مجموعه نمادینی از فعالیت‌های دهانی مانند «زخم‌زبان‌دن» خود را نشان می‌دهد.

نظریه روانی اجتماعی اریکسون. اریک اریکسون، روان‌کاوی که بین سال‌های ۱۹۰۲ تا ۱۹۹۴ زندگی می‌کرد، دیدگاه روان‌پویایی دیگری را در نظریه رشد روانی اجتماعی خود مطرح کرد که بر تعاملات اجتماعی ما با سایر افراد تأکید دارد. در دیدگاه اریکسون، هم جامعه و هم فرهنگ ما را به چالش می‌کشند و شکل می‌دهند. **رشد روانی اجتماعی** شامل تغییراتی در تعاملات و درک ما از دیگران، همچنین دانش و شناخت ما از خودمان به‌عنوان عضوی

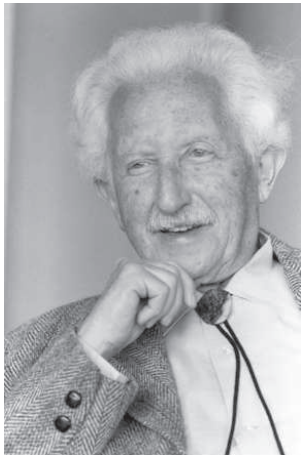
1. the anal stage
2. the phallic stage
3. the genital stage

رشد روانی اجتماعی

از جامعه می‌شود (اریکسون، ۱۹۶۳؛ دانکل، کیم، پاپینی، ۲۰۱۲؛ جونز و همکاران، ۲۰۱۴).

نظریه اریکسون نشان می‌دهد که تغییرات رشدی در سرتاسر زندگی ما و در هشت مرحله مجزا رخ می‌دهد (جدول ۱-۳ را ببینید). این مراحل در الگوی ثابتی روی می‌دهند و در همه افراد مشابه هستند. اریکسون معتقد است که در هر مرحله یک بحران یا تعارض رخ می‌دهد که فرد باید آن را حل کند. اگر هیچ بحرانی هرگز به‌طور کامل حل نشود، زندگی به‌طور فزاینده‌ای پیچیده می‌شود؛ فرد باید به‌اندازه کافی به بحران هر مرحله بپردازد تا بتواند با خواسته‌هایی که در مرحله بعدی رشد ایجاد می‌شوند، مقابله کند.

برخلاف فروید که معتقد بود رشد تقریباً در پایان نوجوانی کامل می‌شود، اریکسون اعتقاد داشت که رشد و تغییرات در سرتاسر گستره زندگی ادامه می‌یابد. برای مثال، همان‌طور که در فصل ۱۶ بیشتر بحث خواهیم کرد، اریکسون معتقد است که در اواسط بزرگسالی، افراد از مرحله زاینده‌گی در برابر رکود عبور می‌کنند، در این مرحله مشارکت افراد در خانواده، اجتماع و جامعه می‌تواند منجر به احساسات مثبتی در ارتباط با ادامه زندگی شود یا به حس رکود و ناامیدی درباره آنچه به نسل‌های بعدی منتقل می‌کنند، بینجامد (دست اوبین، مک آدامز و کیم، ۲۰۰۴).



ارزیابی دیدگاه روان‌پویایی. درک کامل اهمیت نظریه‌های روان‌پویایی که در قالب نظریه روان‌تحلیلی فروید و نظریه رشد روانی اجتماعی اریکسون مطرح شدند، برای ما دشوار است. اینکه فروید گفت ناهشیار بر رفتار اثر می‌گذارد، دستاورد مهمی بود، زیرا ایده ناهشیار، به‌طور گسترده‌ای بر تفکر در فرهنگ‌های غربی مسلط شده است. در حقیقت، پژوهش‌هایی که پژوهشگران معاصر روی حافظه و یادگیری انجام می‌دهند، نشان می‌دهند خاطراتی که با خود حمل می‌کنیم - و هشیارانه از آن‌ها آگاه نیستیم - اثر مهمی بر رفتارمان دارند. مثال ماریسول که زمان خردسالی دچار حادثه رانندگی شده بود، یکی از کاربردهای روان‌پویایی مبتنی بر اندیشه و پژوهش را نشان می‌دهد.

باین‌حال، برخی از مفاهیم اساسی نظریه روان‌تحلیلی فروید، چون توسط پژوهش‌های بعدی تأیید نشده‌اند، مورد تردید قرار گرفته‌اند. به‌طور خاص، این تصور که افراد در دوره کودکی‌شان از مراحل مختلفی عبور می‌کنند که شخصیت بزرگسالی آن‌ها را تعیین می‌کند، حمایت پژوهشی کمی به دست آورده است. علاوه بر این، چون بخش عمده نظریه فروید بر تعداد محدودی از مردم طبقه ثروتمند اتریش که در دوره سختگیری مذهبی زندگی می‌کردند بنا شده است، تعمیم آن به جمعیت‌های گسترده و چند فرهنگی مورد تردید است. درنهایت، چون نظریه فروید در درجه نخست بر رشد مردان تمرکز دارد، به خاطر تبعیض جنسیتی مورد انتقاد قرار گرفته است و ممکن است این‌گونه تعبیر شود که زنان را بی‌ارزش قلمداد کرده است. به همین علت، بسیاری از متخصصان رشد نظریه فروید را مورد تردید قرار داده‌اند (گوتل، ۲۰۰۲؛ میسر و مکویلیمز، ۲۰۰۳؛ اسچاچتر، ۲۰۰۵).

این نظر اریکسون که رشد در سرتاسر گستره زندگی ادامه دارد، بسیار مهم است - و حمایت‌های زیادی دریافت کرده است. باین‌حال، نظریه وی اشکالات خودش را دارد؛ مانند نظریه فروید، این نظریه هم بیشتر بر رشد مردان تمرکز دارد تا زنان. همچنین برخی از جنبه‌های آن مبهم است که همین باعث شده است پژوهشگران نتوانند آن را به‌صورت دقیق آزمون کنند. همان‌طور که به‌طور کلی در مورد نظریه‌های روان‌پویایی مصداق دارد، پیش‌بینی‌های دقیق درباره رفتار یک فرد معین با استفاده از این نظریه‌ها دشوار است. در مجموع، دیدگاه روان‌پویایی توصیف‌های خوبی از رفتار گذشته ارائه می‌دهد ولی پیش‌بینی‌های نامشخصی از رفتار آینده دارد (ژائوسژنیسوسکی و مارتین، ۱۹۹۹؛ دست اوبین و مک آدامز، ۲۰۰۴).

دیدگاه رفتاری: تمرکز بر رفتار آشکار

هدف ۶-۱. توصیف رشد در گستره زندگی از دیدگاه رفتاری.

وقتی ایسا شیپان سه‌ساله بود، یک سگ قهوه‌ای بزرگ او را گاز گرفت و وی نیازمند چندین عمل جراحی و بخیه شد. از زمانی که گاز گرفته شد، هر وقت سگی را می‌دید، غرق در عرق می‌شد و در واقع هیچ‌وقت از هیچ حیوان خانگی خوشش نیامد.

متخصصان رشد در گستره زندگی که از دیدگاه رفتاری استفاده می‌کنند، رفتار ایسا را خیلی سراسر توضیح می‌دهند: او ترس از سگ را یاد گرفته است. به‌جای بررسی درون ارگانسیم در سطح فرایندهای ناهشیار، دیدگاه رفتاری معتقد است که کلید درک رشد، رفتار آشکار و محرک‌های بیرونی موجود در محیط است. اگر محرک را بشناسیم، می‌توانیم رفتار را پیش‌بینی کنیم. از این جهت، دیدگاه رفتاری نشان‌دهنده این تفکر است که تربیت برای رشد مهم‌تر از طبیعت است.

نظریه‌های رفتاری این تصور را که افراد به‌طور معمول از یکسری از مراحل [رشدی] عبور می‌کنند، نمی‌پذیرند. در عوض، فرض می‌کنند که مردم تحت‌تأثیر محرک‌های محیطی هستند که با آن‌ها روبه‌رو می‌شوند. به همین خاطر، الگوهای رشدی شخصی بوده و منعکس‌کننده مجموعه مشخصی از محرک‌های محیطی هستند و رفتار از مواجهه ملووم با عوامل خاصی در محیط ناشی می‌شود؛ بنابراین، [در این دیدگاه] تغییرات رشدی کمی است تا کیفی. برای مثال، نظریه‌های رفتاری معتقدند که پیشرفت‌هایی که با افزایش سن در ظرفیت‌های حل مسئله کودکان ایجاد می‌شود، در حد زیادی ناشی از افزایش توانایی‌های ذهنی است نه اینکه تغییرات در نوع تفکر، کودکان را قادر به حل مسئله سازد.

شرطی‌سازی کلاسیک: جانشین‌سازی محرک.

به من یک دو جین کودک سالم و سرحال بدهید و دنیایی را که برای بزرگ کردن آن‌ها مدنظرم است در اختیارم بگذارید. یکی از آن‌ها را به‌صورت تصادفی انتخاب می‌کنم و قول می‌دهم صرف‌نظر از استعدادها، علایق، گرایش‌ها و توانایی‌هایش او را به‌گونه‌ای تربیت کنم که هر متخصصی که مدنظرم باشد، بشود-دکتر، وکیل، هنرمند، بازرگان، رئیس، بله حتی گدا و دزد (واتسون، ۱۹۲۵).

با این حرف‌ها، جان بی واتسون یکی از نخستین روانشناسان آمریکایی مدافع رویکرد رفتاری، دیدگاه رفتاری را خلاصه کرد. واتسون که بین سال‌های ۱۸۷۸ تا ۱۹۵۸ زندگی می‌کرد، به‌شدت معتقد بود که ما با مطالعه دقیق محرک‌های محیطی می‌توانیم رشد را به‌طور کامل درک کنیم. در حقیقت، وی معتقد بود با کنترل مؤثر محیط یک فرد، می‌توان تقریباً هر نوع رفتاری را ایجاد کرد.

همان‌طور که در فصل ۵ بیشتر بررسی خواهیم کرد، شرطی‌سازی کلاسیک^۱ زمانی اتفاق می‌افتد که ارگانسیم یاد می‌گیرد به محرک‌های خنثی که به‌طور طبیعی پاسخ مشخصی را فرا نمی‌خوانند، به شیوه خاصی پاسخ دهد. برای مثال، اگر یک سگ به‌طور مکرر با جفت شدن صدای زنگ و حضور غذا مواجه شود، ممکن است یاد بگیرد به همان شیوه‌ای که به غذا پاسخ می‌دهد، یعنی با ترشح بزاق و تکان دادن دم، به صدای زنگ که به‌تنهایی می‌آید نیز پاسخ بدهد. در شرایط طبیعی سگ به صدای زنگ به این شکل پاسخ نمی‌دهد؛ رفتار فعلی وی نتیجه شرطی شدن است. شرطی شدن نوعی از یادگیری است که در آن پاسخ مرتبط با یک محرک (غذا)، به محرک دیگر- در اینجا زنگ، پیوند می‌خورد. فرایند مشابهی از شرطی‌سازی کلاسیک برای توضیح نحوه‌ای که ما پاسخ‌های هیجانی را می‌آموزیم استفاده می‌شود. برای مثال، در مورد ایسا شیپان که قربانی گازگرفتگی سگ شده بود، واتسون خواهد گفت که یک محرک،

دیدگاه رفتاری

این رویکرد معتقد است که کلید درک رشد، رفتار آشکار و محرک‌های بیرونی موجود در محیط است.



جان بی واتسون

شرطی‌سازی کلاسیک

نوعی از یادگیری است که در آن ارگانسیم یاد می‌گیرد به محرک‌های خنثی که به‌طور طبیعی پاسخ مشخصی را فرا نمی‌خوانند، به شیوه خاصی پاسخ دهد.

جایگزین محرک دیگر شده است: تجربه ناخوشایند ایسا با یک سگ مشخص (محرک اولیه)، به سایر سگ‌ها و به‌طور کلی حیوانات خانگی تعمیم داده شده است.

شرطی‌سازی کنشگر یا عاملی

شکلی از یادگیری است که یک پاسخ اختیاری به‌واسطه همراه شدن با پیامدهای مثبت یا منفی، تقویت یا تضعیف می‌شود.

شرطی‌سازی کنشگر. علاوه بر شرطی‌سازی کلاسیک [یا شرطی‌سازی محرک-پاسخ]، نوع دیگری از یادگیری نیز از دیدگاه رفتاری ریشه می‌گیرد. رویکرد یادگیری که احتمالاً بیشترین نفوذ را داشته است، شرطی‌سازی کنشگر^۱ است. **شرطی‌سازی کنشگر یا عاملی** شکلی از یادگیری است که یک پاسخ اختیاری به‌واسطه همراه شدن با پیامدهای مثبت یا منفی، تقویت یا تضعیف می‌شود. شرطی‌سازی کنشگر متفاوت با شرطی‌سازی کلاسیک است زیرا در این نوع شرطی‌سازی، پاسخی که شرطی می‌شود اختیاری و هدفمند است نه خودکار (مانند ترشح بزاق).

در شرطی‌سازی کنشگر که توسط روان‌شناس بی اف اسکینر (۱۹۹۰-۱۹۰۴) شکل‌دهی و مورد حمایت قرار گرفته است، افراد یاد می‌گیرند عمداً به‌گونه‌ای به محیطشان واکنش نشان دهند که منجر به پیامدهای خوشایند شود (اسکینر، ۱۹۷۵). به این ترتیب، مردم به‌گونه‌ای در محیطشان عمل می‌کنند که به وضعیت خوشایند دست یابند. اینکه کودکان یا بزرگسالان رفتاری را تکرار خواهند کرد، بستگی به این دارد که آیا آن رفتار تقویت^۲ به دنبال دارد. تقویت، فرایندی است که به‌واسطه محرک ارائه شده [تقویت‌کننده]، احتمال تکرار رفتار قبلی را افزایش می‌دهد. به همین خاطر، اگر دانش‌آموزی نمره‌های خوبی بگیرد، بیشتر در مدرسه تلاش خواهد کرد؛ اگر تلاش کارگران به افزایش دستمزد منجر شود، احتمالاً در کارشان تلاش بیشتری به خرج خواهند داد؛ و اگر به‌طور اتفاقی مردم برنده قرعه‌کشی شوند، بیشتر احتمال دارد بلیت قرعه‌کشی بخرند. علاوه بر این، تنبیه^۳، ارائه یک محرک ناخوشایند یا دردناک یا حذف یک محرک خوشایند، این احتمال را که رفتار قبلی بعداً تکرار شود، کاهش می‌دهد.

بنابراین، رفتاری که تقویت شده است بیشتر احتمال دارد بعداً تکرار شود درحالی‌که رفتاری که تقویت نشده یا تنبیه شده است، بیشتر احتمال دارد که متوقف شود یا به زبان شرطی‌سازی کنشگر، خاموش^۴ شود. اصول شرطی‌سازی کنشگر در اصلاح رفتار^۵ استفاده می‌شوند، **اصلاح رفتار**، فنونی رسمی برای افزایش فراوانی رفتارهای مطلوب و کاهش نرخ رفتارهای نامطلوب است. اصلاح رفتار در موقعیت‌های متنوعی استفاده شده است، از آموزش مقدمات زبان به افراد کم‌توان ذهنی شدید تا کمک به افراد برای اینکه رژیم غذاییشان را پیگیری کنند (ماتسون و لولو، ۲۰۰۸؛ وپرمن و همکاران، ۲۰۱۲؛ ویرت، وایتش و هائونر، ۲۰۱۴).

اصلاح رفتار

فنونی رسمی برای افزایش فراوانی رفتارهای مطلوب و کاهش نرخ رفتارهای نامطلوب است.

نظریه یادگیری اجتماعی-شناختی

یادگیری، به‌واسطه مشاهده رفتار فردی دیگر که الگو نامیده می‌شود، صورت می‌گیرد.

نظریه یادگیری اجتماعی: یادگیری از طریق تقلید. یک پسر بیچه پنج‌ساله با تقلید حرکات خشونت‌آمیز که در تلویزیون تماشا کرده بود، به‌شدت پسر عمومی ۲۲ ماهه خود را مجروح کرد. اگرچه این خردسال دچار آسیب طناب نخاعی شده بود ولی پنج هفته بعد، بهبود یافت و از بیمارستان مرخص شد (رویتز سلامت آنلاین، ۲۰۰۲).

علت و معلول این رفتار چیست؟ نمی‌توانیم مطمئن باشیم اما چنین چیزی محتمل به نظر می‌رسد به‌ویژه اگر از دیدگاه **نظریه یادگیری اجتماعی-شناختی**^۶ به موقعیت نگاه کنیم. مطابق نظر روان‌شناس رشد آلبرت بندورا و همکارانش، میزان زیادی از یادگیری توسط نظریه یادگیری اجتماعی-شناختی توضیح داده می‌شود، این نظریه تأکید دارد که به‌واسطه مشاهده رفتار فردی دیگر که الگو^۷ نامیده می‌شود، یادگیری صورت می‌گیرد (بندورا، ۱۹۹۴، ۲۰۰۲).

مطابق نظریه یادگیری اجتماعی-شناختی، رفتار در درجه نخست، از طریق مشاهده یاد گرفته می‌شود نه از طریق کوشش و خطایی که شرطی‌سازی کنشگر بیان می‌کند. ما برای اینکه رفتاری را بیاموزیم نیازی نداریم که پیامد

1. operant conditioning
3. punishment
5. behavior modification
7. model

2. reinforcement
4. extinguish
6. social-cognitive learning theory

رفتارمان را تجربه کنیم. نظریه یادگیری اجتماعی-شناختی معتقد است وقتی ما رفتار الگویی را مشاهده می‌کنیم که پاداش می‌گیرد، احتمالاً آن رفتار را تقلید می‌کنیم. برای مثال، در یک آزمایش کلاسیک، کودکانی که از سگ می‌ترسیدند با الگویی مواجه شدند با نام «همسال نترس» که با خوشحالی با سگ بازی می‌کرد (بندورا، گروسک و ملنوف، ۱۹۶۷). پس از مواجهه، کودکان ترسویی که رفتار الگو را مشاهده کرده بودند، در مقایسه با آن‌هایی که رفتار الگو را مشاهده نکرده بودند، بیشتر احتمال داشت به یک سگ ناآشنا نزدیک شوند.



این تصویر چه نوعی از یادگیری را نشان می‌دهد؟

بندورا معتقد است که یادگیری اجتماعی-شناختی در چهار مرحله انجام می‌شود (بندورا، ۱۹۸۶). نخست، مشاهده‌گر باید به جنبه‌های مهم رفتار الگو توجه کرده و آن‌ها را درک کند. دوم، مشاهده‌گر باید رفتار الگو را به خاطر آورد. سوم، مشاهده‌گر باید به‌دقت رفتار الگو را بازتولید کند. درنهایت، مشاهده‌گر باید برای یادگیری و اجرای رفتار انگیزه داشته باشد.

از دید یک مربی

مفاهیم یادگیری اجتماعی و الگوبرداری چگونه با رسانه‌های جمعی ارتباط پیدا می‌کنند و چگونه مواجهه با رسانه‌های جمعی بر زندگی خانوادگی یک کودک اثر می‌گذارد؟

ارزیابی دیدگاه رفتاری. پژوهش‌هایی که از دیدگاه رفتاری استفاده کردند، نقش مهمی ایفا کردند، از فونونی برای آموزش کودکان با کم‌توانی ذهنی شدید تا شناسایی روندهایی برای پیشگیری از خشونت. با این حال، اختلاف‌هایی در رویکرد رفتاری وجود دارد. برای مثال، نظریه‌های شرطی‌سازی کلاسیک و کنشگر و یادگیری اجتماعی با اینکه به‌طور کلی در دیدگاه رفتاری قرار دارند ولی در برخی از شیوه‌های اصلی متفاوت هستند. دو نظریه شرطی‌سازی کلاسیک و کنشگر، یادگیری را در ارتباط با محرک‌ها و پاسخ‌های بیرونی می‌بینند و تنها عوامل اثرگذار بر یادگیری را جنبه‌های قابل مشاهده محیط می‌دانند. در چنین تحلیلی، افراد و سایر ارگانیزم‌ها شبیه «جعبه‌های سیاه» بی‌جان هستند و نیازی به شناخت آنچه درون جعبه رخ می‌دهد نیست- درون جعبه چیزی خیلی مهمی نیست. از دید نظریه‌پردازان یادگیری اجتماعی چنین تحلیلی بیش‌ازحد ساده‌انگاری است. آن‌ها معتقدند که آنچه انسان را از موش‌ها یا کبوترها جدا می‌سازد، فعالیت‌های ذهنی در قالب افکار و انتظارات است. همچنین، این نظریه‌پردازان مدعی هستند برای شناخت کامل رشد انسان، باید از محرک‌ها و پاسخ‌های بیرونی فراتر رفت. در چند دهه اخیر و به شیوه‌های مختلف، نظریه یادگیری اجتماعی بر نظریه‌های شرطی‌سازی کلاسیک و کنشگر، غالب شده است. در حقیقت، دیدگاه دیگری که به‌وضوح بر فعالیت ذهنی درونی تمرکز دارد و بسیار با نفوذ است، دیدگاه شناختی^۱ است که در ادامه آن را بررسی می‌کنیم.

دیدگاه شناختی: بررسی ریشه‌های شناخت

هدف ۷-۱. توصیف رشد در گستره زندگی از دیدگاه شناختی.

وقتی از یک سه‌ساله پرسیده می‌شود چرا باران می‌بارد، او پاسخ می‌دهد «برای رشد گل‌ها». وقتی همین سؤال از لیلیا خواهر ۱۱ وی پرسیده می‌شود، می‌گوید «به خاطر تبخیر آب از سطح زمین». هنگامی که از آجیما دختر عموی آن‌ها که در دانشگاه هواشناسی می‌خواند همین سؤال پرسیده می‌شود، وی پاسخ گسترده‌ای می‌دهد که شامل ابرهای کومولونیمبوس، اثر کریولیس و نمودارهای سینوپتیک می‌شود.

از دید یک نظریه‌پرداز رشدی طرفدار دیدگاه شناختی، تفاوت در پیچیدگی پاسخ‌ها، دلیلی بر میزان متفاوت دانش و درک یا شناخت است. **دیدگاه شناختی** فرایندهایی را بررسی می‌کند که به افراد امکان درک، شناخت و تفکر درباره جهان را می‌دهند.

دیدگاه شناختی

این رویکرد فرایندهایی را بررسی می‌کند که به افراد امکان درک، شناخت و تفکر درباره جهان را می‌دهند.

دیدگاه شناختی بر نحوه‌ای که افراد به‌طور درونی دنیا را بازنمایی و درباره آن فکر می‌کنند، تأکید دارد. با استفاده از این دیدگاه، پژوهشگران رشد امیدوارند درک کنند که چگونه کودکان و بزرگسالان اطلاعات را پردازش می‌کنند و چگونه نحوه تفکر و شناخت آن‌ها بر رفتارشان اثر می‌گذارد. آن‌ها همچنین بررسی می‌کنند که چگونه توانایی‌های شناختی افراد همان‌طور که رشد می‌کنند، تغییر می‌کند، همچنین، به بررسی این موضوع می‌پردازند که چقدر از رشد شناختی متأثر از رشد کمی و کیفی توانایی‌های ذهنی است و جستجو می‌کنند که چگونه توانایی‌های شناختی مختلف با هم در ارتباط هستند.

نظریه پیاژه درباره رشد شناختی. هیچ فردی در زمینه مطالعه رشد شناختی اثرگذارتر از ژان پیاژه نیست. پیاژه، روان‌شناس سوئیسی که بین سال‌های ۱۸۹۶ تا ۱۹۸۰ می‌زیست، پیشنهاد کرد که رشد شناختی همه افراد، یکسری از مراحل متوالی ثابت را طی می‌کند. او معتقد بود که نه‌تنها مقدار اطلاعات در هر مرحله افزایش می‌یابد بلکه کیفیت دانش و شناخت نیز تغییر می‌کند. تمرکز وی بر تغییرات شناختی بود که با گذر کودکان از یک مرحله به مرحله بعد، رخ می‌دهد (پیاژه، ۱۹۵۲، ۱۹۶۲، ۱۹۸۳).

با اینکه نظریه پیاژه را با جزئیات در فصل ۵ بررسی خواهیم کرد ولی در اینجا یک طرح کلی از آن ارائه می‌کنیم. پیاژه معتقد بود که تفکر انسان درون *طرح‌واره‌ها*^۱ تدارک دیده می‌شود. *طرح‌واره‌ها* الگوهای ذهنی سازمان‌یافته‌ای هستند که مسئول رفتارها و اقدامات هستند. در نوزادان، این طرح‌واره‌ها مسئول رفتار عینی هستند- برای مکیدن، برای دست یافتن و برای هر رفتار مجزا یک طرح‌واره وجود دارد. در کودکان بزرگتر، طرح‌واره‌ها پیچیده‌تر و انتزاعی‌تر می‌شوند مانند مجموعه‌ای از مهارت‌ها که در راندن دوچرخه یا در انجام یک بازی ویدئویی جذاب دخیل هستند. طرح‌واره‌ها مانند برنامه‌های نرم‌افزاری رایانه هوشمند بوده و نوع اطلاعاتی را که از دنیای بیرونی قابل ورود و پردازش هستند، هدایت و تعیین می‌کنند (پارکر، ۲۰۰۵).

پیاژه معتقد است که رشد شناخت کودکان از دنیا را می‌توان با دو اصل اساسی جذب^۲ و انطباق^۳ توضیح داد. جذب یا درونسازی فرایندی است که فرد یک تجربه [جدید] را بر اساس مرحله فعلی رشد شناختی و شیوه فکری‌اش، درک می‌کند. جذب زمانی رخ می‌دهد که افراد از شیوه‌های فکری فعلیشان برای شناخت دنیایی که ادراک می‌کنند و برای شناخت تجربه جدید، استفاده می‌کنند. در مقابل، *انطباق* یا برونسازی به تغییرات در شیوه‌های فکری موجود در پاسخ به مواجهه با محرک یا رویدادهای جدید اشاره دارد. کار مشترک جذب و انطباق باعث رشد شناختی می‌شود.

ارزیابی نظریه پیاژه. پیاژه عمیقاً شناخت ما از رشد شناختی را تحت تأثیر قرار داد و یکی از چهره‌های برجسته رشد در گستره زندگی است. وی توصیف‌های ماهرانه‌ای از نحوه رشد فکری در دوره کودکی ارائه کرده است-

1. schemes
2. assimilation
3. accommodation

توصیف‌هایی که پس از هزاران پژوهش همچنان پابرجا هستند. همچنین، به‌طور کلی، دید کلی پیازه از توالی رشد شناختی، دقیق است.

باین‌حال، جنبه‌هایی از این نظریه، به‌خصوص در مورد تغییرات توانایی‌های شناختی در طی زمان، مورد تردید قرار گرفته است. برای مثال، برخی از مهارت‌های شناختی خیلی زودتر از آنچه پیازه گفته بود پدیدار می‌شوند. علاوه بر این، همگانی بودن مراحل رشد شناختی پیازه مورد تردید است. شواهد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهند در فرهنگ‌های غیرغربی، پیدایش برخی از مهارت‌های شناختی خاص، در زمان‌بندی متفاوتی صورت می‌گیرد؛ و در همه فرهنگ‌ها، به نظر می‌رسد برخی از افراد هرگز به بالاترین سطح پختگی شناختی پیازه یعنی تفکر صوری و منطقی دست نمی‌یابند (مک دونالد و استورات-همیلتون، ۲۰۰۳؛ جنووویس، ۲۰۰۶؛ د ژسوس-زایاس، بویگاس و دنی، ۲۰۱۲).
درنهایت، جدی‌ترین انتقاد نسبت به دیدگاه پیازه این است که رشد شناختی لزوماً آن‌طور که در نظریه مرحله‌ای پیازه مطرح شده است، مرحله‌ای و گسسته نیست. پیازه معتقد بود که رشد شناختی در چهار مرحله متمایز صورت می‌گیرد که کیفیت شناخت در یک مرحله با مرحله بعد، متفاوت است. باین‌حال، بسیاری از پژوهشگران رشدی معتقدند که رشد شناختی در حد زیادی پیوسته است. این انتقادها یک دیدگاه جایگزین را پیشنهاد کردند که اکنون به‌عنوان رویکرد پردازش اطلاعات^۱ شناخته می‌شود و بر فرایندهای زیربنایی یادگیری، حافظه و تفکر در سرتاسر گستره زندگی تمرکز دارد.

رویکرد پردازش اطلاعات. رویکرد پردازش اطلاعات به مهم‌ترین جایگزین رویکردهای پیازه‌ای تبدیل شده

است. **رویکرد پردازش اطلاعات** به رشد شناختی، به دنبال شناسایی شیوه‌هایی است که افراد اطلاعات را کسب، استفاده و ذخیره می‌کنند.

رویکرد پردازش اطلاعات، زاینده پیشرفت‌ها در زمینه پردازش الکترونیکی اطلاعات است، به‌ویژه آن‌گونه که به‌وسیله رایانه‌ها انجام می‌شود. طرفداران این رویکرد فرض می‌کنند که حتی رفتارهای پیچیده‌ای مانند یادگیری، یادآوری، طبقه‌بندی و تفکر را می‌توان به گام‌های مجزا و مشخص تقسیم کرد.

در رویکرد پردازش اطلاعات فرض می‌شود که کودکان به‌مانند رایانه‌ها، ظرفیت پردازش اطلاعات محدودی دارند. باین‌حال، همان‌گونه که رشد می‌کنند از راهبردهای پیچیده‌تری استفاده می‌کنند که به آن‌ها امکان پردازش مؤثرتر اطلاعات را می‌دهند.

در یک تقابل آشکار با این دیدگاه پیازه که تفکر با افزایش سن کودک دچار پیشرفت‌های کیفی می‌شود، رویکرد پردازش اطلاعات فرض می‌کند که رشد، بیشتر با پیشرفت‌های کمی مشخص می‌شود. ظرفیت ما برای مدیریت اطلاعات، همچنین سرعت و کارآمدی پردازش ما با افزایش سن تغییر می‌کند. علاوه بر این، رویکردهای پردازش اطلاعات معتقدند که با افزایش سن، بهتر قادر به کنترل ماهیت پردازش هستیم و [بهتر] می‌توانیم راهبردهایی را که در حین پردازش اطلاعات استفاده می‌کنیم، تغییر دهیم.

رویکرد پردازش اطلاعاتی که بر مبنای پژوهش‌های پیازه بنا شده است، به‌عنوان نظریه نو پیازه‌ای^۲ شناخته می‌شود. در تضاد با کارهای اصلی پیازه که شناخت را نظام واحدی از توانایی‌های شناختی کلی که به‌صورت فزاینده‌ای پیچیده‌تر می‌شوند می‌دید، نظریه نو پیازه‌ای بیان می‌کند که شناخت از انواع متفاوتی از مهارت‌های مجزا ساخته شده است. با استفاده از اصطلاحات رویکردهای پردازش اطلاعات، نظریه نو پیازه‌ای بیان می‌کند که رشد شناختی در حوزه‌های مشخصی به‌سرعت پیش می‌رود درحالی‌که در برخی از حوزه‌ها دیگر این رشد کندتر است. برای مثال، توانایی خواندن و مهارت‌های مورد نیاز برای یادآوری داستان‌ها، از توانایی‌های محاسباتی انتزاعی مورد استفاده در جبر یا مثلثات، زودتر رشد می‌کنند. علاوه بر این، نظریه‌های نو پیازه‌ای معتقدند که در مقایسه با آنچه

1. information processing approach
2. neo-Piagetian theory

رویکرد پردازش اطلاعات

مدلهایی که به دنبال شناسایی شیوه‌هایی هستند که افراد اطلاعات را کسب، استفاده و ذخیره می‌کنند.

رویکردهای سنتی پیازه‌ای مدعی بودند، تجربه نقش بیشتری در پیشرفت رشد شناختی ایفا می‌کند (کیس، دیمتریو و پلاتسیدو، ۲۰۰۱؛ یان و فیشر، ۲۰۰۲؛ لویون، ۲۰۰۶).

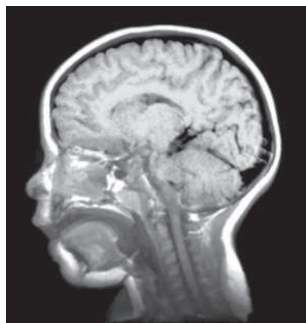
ارزیابی رویکردهای پردازش اطلاعات. همان‌طور که در فصل‌های بعدی خواهیم دید، رویکردهای پردازش اطلاعات به بخش مهمی از شناخت ما از رشد بدل شده‌اند. در عین حال، آن‌ها تبیین پیچیده‌ای از رفتار انسان ارائه نمی‌کنند [و برخی از رفتارهای پیچیده را نیز تبیین نمی‌کنند]. برای مثال، رویکردهای پردازش اطلاعات توجه کمی به رفتارهایی مانند خلاقیت دارند که در آن بیشتر ایده‌های عمیق، اغلب به شیوه‌ای غیرمنطقی و غیرخطی ایجاد می‌شوند. علاوه بر این، آن‌ها نقش بافت اجتماعی را که رشد در آن رخ می‌دهد، در نظر نمی‌گیرند. یکی از دلایلی که برخی از نظریه‌ها محبوب شدند، تأکید آن‌ها بر جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی است - این مورد را بعداً توضیح می‌دهیم.

رویکردهای عصبی-شناختی

رویکردهایی که رشد شناختی را از طریق عدسی فرایندهای مغزی مورد بررسی عدسی فرایندهای مغزی مورد بررسی قرار می‌دهند.

رویکردهای عصبی-شناختی. یکی از جدیدترین رویکردهای اضافه شده بر مجموعه رویکردهای رشد در گستره زندگی، **رویکردهای عصبی-شناختی**^۱ هستند که رشد شناختی را از طریق عدسی فرایندهای مغزی مورد بررسی قرار می‌دهند. شبیه سایر دیدگاه‌های شناختی، رویکردهای عصبی-شناختی نیز فرایندهای درونی و ذهنی را بررسی می‌کنند اما آن‌ها به‌طور خاصی بر فعالیت‌های عصب‌شناختی که زیربنای تفکر، حل مسئله و سایر شناخت‌ها هستند تمرکز دارند. دانشمندان عصبی-شناختی به‌جای اینکه فرض کنند کدام ساختارهای شناختی به لحاظ فرضیه‌ای یا نظریه‌ای با تفکر در ارتباط هستند، به دنبال شناسایی مکان‌ها و کارکردهای واقعی مغز هستند که با نوع مشخصی از فعالیت شناختی ارتباط دارند. برای مثال، با استفاده از فنون پیشرفته اسکن مغزی، دانشمندان عصبی-شناختی نشان دادند که تفکر درباره معنای لغات شنیداری نسبت به تفکر درباره صدای لغات شنیداری باعث فعالیت در نواحی متفاوتی از مغز می‌شود.

شکل ۱-۱. مغز اوتیستیک
دانشمندان علوم اعصاب دریافته‌اند که مغز کودکان مبتلا به اوتیسم از مغز کودکان عادی، بزرگ‌تر است. این یافته می‌تواند به شناسایی زودهنگام اختلال و در نتیجه، ارائه مراقبت‌های مناسب کمک کند.



کار دانشمندان عصبی-شناختی منجر به ارائه سرنخ‌هایی درباره علت اوتیسم، یک ناتوانی رشدی عمده که می‌تواند منجر به نقایص زبانی عمیق و رفتارهای خودجرحی در کودکان شود، شده است. برای مثال، دانشمندان علوم اعصاب متوجه شدند که مغز کودکان مبتلا به اوتیسم، رشد انفجاری و چشمگیری در سال اول زندگی‌شان دارد که باعث می‌شود سر آن‌ها به‌طور معناداری بزرگ‌تر از سر کودکان بدون اختلال شود (شکل ۱-۱ را ببینید). با شناسایی زودهنگام کودکان مبتلا به این اختلال، مراقبان سلامت می‌توانند مداخلات زودهنگام ضروری را ارائه کنند (نادل و پاز، ۲۰۰۷؛ لوتیز و المن، ۲۰۰۸؛ هووارد و همکاران، ۲۰۱۴).

رویکردهای عصبی-شناختی در خط مقدم پژوهش‌های نوپایی قرار دارند که به شناسایی ژن‌های مشخصی می‌پردازند که با دامنه‌ای از اختلالات، از قبیل مشکلات جسمی مانند سرطان پستان تا اختلالات روان‌شناختی مانند اسکیزوفرنی ارتباط دارند. شناسایی ژن‌هایی که باعث آسیب‌پذیری نسبت به چنین اختلال‌هایی می‌شوند، اولین گام در مهندسی ژنتیک است که در آن درمان ژنی می‌تواند احتمال رخ دادن اختلالی را کاهش دهد یا حتی از رخ دادن آن جلوگیری کند (استروبل و همکاران، ۲۰۰۷؛ رنگاناث، میزنبگ و راگلند، ۲۰۰۸؛ رودنیتزکی، ۲۰۱۲).

ارزیابی رویکردهای عصبی-شناختی. رویکردهای عصبی-شناختی مرز جدیدی در [مطالعه] رشد کودکان و نوجوانان ارائه کرده‌اند. با استفاده از فنون اندازه‌گیری پیچیده‌ای که بسیاری از آن‌ها تنها در چند سال گذشته ایجاد شدند، دانشمندان عصبی-شناختی توانسته‌اند کارکردهای درون مغز را درک کنند. پیشرفت‌های ما در شناخت ژنتیک، چشم‌انداز